

۱۰۵۱۴-۱

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب آداب عباسی از محمد صالح المصباح

مؤلف صدرالدین محمد بن محمد علی تبریزی

موضوع

خط نسخ مصدق علی تبریزی ۱۰۶۹ ق. ۲۰۴



شماره ثبت کتاب

۸۶۹۵۳

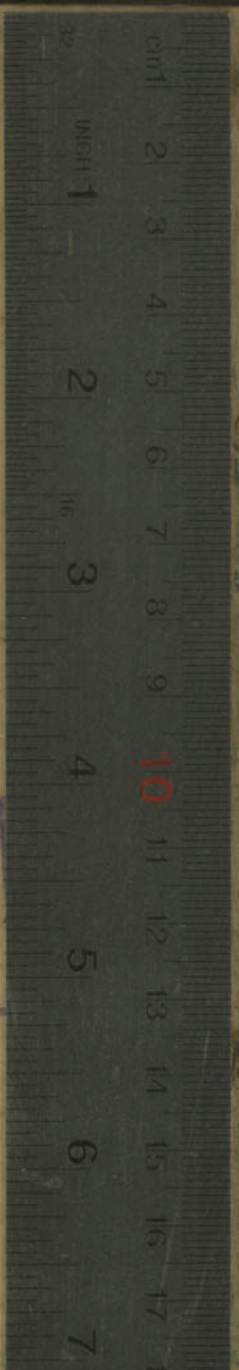
خطی «فهرست شده»
۱۳۷۱۳

۱۶۰۱۱
کتابخانه مجلس شورای ملی

۳۱/۵

بازرسی شد
۸۱ - ۹

بازدید شد
۱۳۸۵



۳۶
ع

بازر
۳۷

۱۰۹۱

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب آداب عباسی از محمد صالح المصباح

مؤلف صدرالدین محمد بن محمد علی تبریزی

موضوع خط به خط علی تبریزی ۱۰۹۱

۱۰۹۱

۱۳۸۵

باردینا
۱۳۸۵

خطی نام فهرست شده
۱۳۷۱۳

۱۰۵۱۴

۲

۱۰۵۱۴

خطی
۲



۱۰۵۱۴

خطی
۲

۱۰۵۱۴



قدس تسبیح یا در قاری اگر قصد عبادت حسن نیت کند
قد فله المؤمنون الذین هم فی صلواتهم یخافون اعدایهم
عزیزیت و ندکی کشید و مقربان قدس عمو شش ماهه آغاز
معی وصل بدیرون الله و یاسا و صمود او علی جوی پیغمبر و یقرون
خلق البیت اراشد باران کمان قدس قولش ارسا

لذو الشانین تا بدارک غنای هادی مکان باب قدسین
سوار سیدان و کسوف عطیلت کسوف مجرب بارگاه ولا استغوث
الذکر و قدس سبب سر یا ایها الذکر فطانتهم و انوار
و فی ذلک قطعه برال و اطهار و اولاد مطهرین خیارش
علت انما یرید الله لیدفع عنکم الذل الی کل الذل لیکون سلب
و سلبات دایمید و ام غروبیت و قدس الوهیت

باید بینت رخسار	بصیرت اسد و شهره دور
سین صد اسرار	بدرست بر محبت کرده
تال شاه جهان	جما کیر شاهی در شرف
روی من	ایر انصاف نصرت قرین
بیت	بر او تاز و انوار ال سی
	میرد ماسد نصر
	ر روی در نفس و بیان



خطی ۳

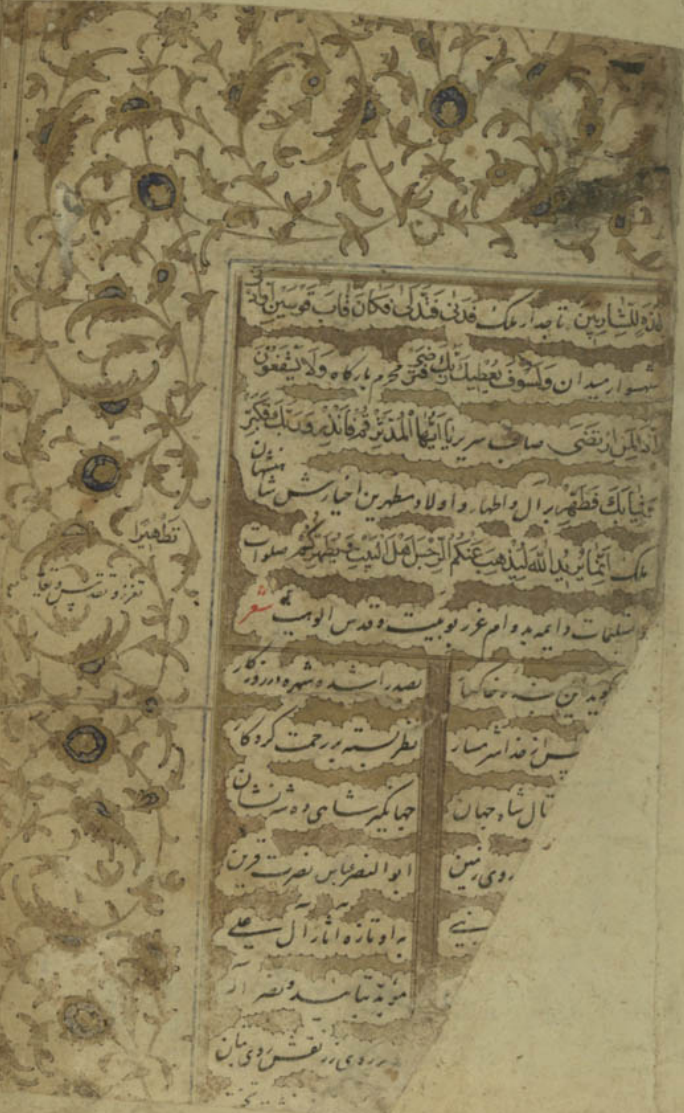
۱۰۵۱۴



قد علم المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون
مخضوبون ويدرؤن كسبه وقرآنهم من سورة شمس ما هم
مخضوبون ويدرؤن كسبه وقرآنهم من سورة شمس ما هم
مخضوبون ويدرؤن كسبه وقرآنهم من سورة شمس ما هم

بذل الشايعين تا بعد انك قد في قلبك وكان فاب قوسين
سوار سيدان ولسوف يعطيك الله من تحته ما كان ولا يشقون
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
تفيا بك قطعه برال واطهار واولاد مطهرين ايارش
عاب انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت يهتدون
بوسلته وابعده وام غروبيت وقدس الوهيب

كوبه بن ت...	نصراشد و شهره در و...
سین خداسر...	نظر بسته بر حمت کرد...
تال شاه جهان	جهاگیر شاهی در ش...
روی زمین	ابوالفضل عباس نصرت قر...
سینه	بر او تاره انار ال سی...
	مویه تاسد نصرت...
	روی زلفش دی مان



خطی ۳

۱۰۵۱۴

خدا ترش داده در کارها
 خدا بر کبریاش برنج و ظفر
 بصحتش باد و خوش خاطرش
 ملک بر او دلش شادمان
 سخندان دین نخر آهش زان
 کتانی در آواب طاعتش
 بلفظ عرب بود از اسبان
 برای غلامان فاقان دین
 جو بر نام شاه جهان شد تمام
 امید اگر مقبول بیرون شوند
 خجسته ضد عسر سلمان بود
 تا زود با دشمنان بجی
 و از سر سازش در

آنچه از وقت ظهر تا فرو رفتن آفتاب یکسایه آورد **باب نهم**
 در میان آنچه از فرو رفتن آفتاب تا وقت غروب یکسایه آورد
باب دهم در میان آنچه از وقت غروب تا نصف شب یکسایه
 یاید آورد **باب ششم** در میان آنچه از نصف شب تا طلوع
 صبح یکسایه آورد **باب اول** در میان آنچه از طلوع صبح تا
 طلوع آفتاب یکسایه آورد در دوران دو مقدم است و چنانچه
مقدم هر یک از اصحاب عصمت سلام الله علیهم حدیث بسیار در
 نصیحت این وقت نقل شده و این وقت در ساعت غفلت می باشد
 چنانچه از فرو رفتن آفتاب تا طرف شدن شفق را هم ساعت غفلت
 میگویند و سنت است که در این وقت دعا بخواند زیرا که
 در این وقت شومست محمد بن بابویه قتی در کتاب من لایحضره
 ائمه روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
 بی صبح شومست روزی را میگرداند و رنگ روز از روی او میکند
 میبازد و آن خواب هر شومی است تحقیق که خدا تعالی
 ندر روزیهای نبی آدم را در وقتیکه میان طلوع فجر است

خطی ۲

۱۰۵۱۴

تا طلوع آفتاب پس هز کند و بر هر چند ازین خواب و بیداری
نه کور و ایت کرده که حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام در
ایضا نقل کرده که در وقت شکسته که وقت یکتد روزیما
بنی آدم را میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس کسی که خواب کند
درین وقت خوابده است از روزی خود و در حدیث که نماز صبح کوه
در علمای شب و در علمای روز **روایت** کرده کلین و کتاب کاتب
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه ان قرآن
الجزیگان شهو کما فرموده که مراد قرآن جز نماز صبح است بی سینه
آنرا در شکستگان شب و در شکستگان روز پس هرگاه که اردید نماز
صبح را در وقت طلوع فجر نوشته بشود برای او دو بار می نویسد
ز شکستگان شب و در شکستگان روز **فصل** در آنکه پیش علمای آن
عشره قدس پس اوجهم از طلوع صبح صاذقت افروزین قرآن
آفتاب و از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب بر عمل روز است و
از علمای روایت کرده اند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
که نماز ساعتی شب است و در آنجا علمای روز این آن

۱۶

خطی ۳

که ساعت میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب و این جواب تبارید
نضاری است نه بر بند مباحی عشره نیز که در روایت است که آن
سایل از کشیشان و علمای نضاری بوده و از حضرت سپید چند پرسید که
نه مباحی آن بوده و مطلق بر آن مباح بود مگر بر کان علمای نضاری
و این سپید هم از آن سایل بود **فصل** در آنکه نماز صبح داخل نماز
باجماع علمای اهل پیغمبران اعش آنرا داخل نماز شب و پیوسته بر سبیل
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که صلوة اللیلها کما یومنین نماز روز و شب است
و در آنست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز صبح را
حکم داخل نماز روز کرده اند بواسطه آنکه آن حضرت نماز صبح را در
بجای آورده و چون از نماز فارغ میشدند زمان نمازهای خود می نوشتند
و کسی ایشان را نمی شناخت بواسطه تاریکی **روایت** کرده این مایه
در کتاب من لا یحضره الفقیه که یکی بن آنم سوال کرد از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام که چرا در نماز صبح قرات بلند میکند یا آنکه
از نماز روز است پس حضرت فرمود که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله
نماز صبح را در تاریکی میسای آورد پس تقارن ساعت آن را سمعاً

۱۰۵۱۴

و اما آنچه این نویسنده قدس سره روایت کرده که حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام فرموده که حضرت سید علی امده علیه
 السلام فرموده که تا زوال آفتاب یعنی تا وقت ظهر
 غرضی نیست بر پستی آن که نماز چاشت راست میاید
 و حضرت سید علی امده علیه السلام فرموده اند و سنت است
 آن بدعت **فصل** در تحقیق خبر اول که صبح کاذب و غیر
 که صبح صادق است و اول وقت نماز صبح است و ما آنچه ذکر کنیم
 حاصل آنست که حضرت شیخ جمال الدین مطهر علی قدس سره
 کتاب مشی المطلب فرموده روشنی روز از آفتاب است هر
 روشن شود شعاع آفتاب او را در جانب دیگر سایه می افتد
 و فدای تعالی مقدر ساخته گردیدن آفتاب را بر کره زمین چون
 قرص آفتاب بزرگتر است از زمین پس این شکل مخروطی باشد
 آنرا مخروط و ظل گویند و پروان مخروط و ظل هم پاره روشنی
 سبب نزدیکی شعاع آفتاب است این روشنی میان مخروط و ظل
 بلکه هر چند میان مخروط و ظل دیگر میشود این روشنی که

تحقیق صبح صادق و
صبح کاذب

مخروط ظل روشنی شعاع
آفتاب و از هم

خطی
۳

و نهایت تاریکی در میان مخروط و ظل باشد پس چون آفتاب بجز
 رسد سر مخروط و ظل در مشرق باشد و هر چند آفتاب این تر و در
 مخروط و ظل بالاتر آید و چون آفتاب بزرگتر رسد سر مخروط و ظل
 آید و چون آفتاب در جانب مشرق رسد سر مخروط و ظل از بالای سر
 مغرب میل کند و چون آفتاب در آخر مشرق نزدیک
 آنجا از مخروط و ظل روشنی در بالای مشرق نمایان شود یک
 دور از چون بختون از صبح کاذب و غیر اول میگویند اما
 وقت مشرق تاریک باشد و چون آفتاب اندکی دیگر در مشرق
 مشرق نزدیک شود آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن شود
 و روشنی در مشرق پهن شود و این صبح صادق است و اول
 نماز صبح است و از این شکل تصور آنچه گفته ام پدید آید

از آفتاب

معلق نیت صبح کاذب مگر آنکه از عبادات مثل غسل شدن و
 فضیلت نماز و ترزیر که افضل اوقات و تر از طلوع صبح کاذب
 طلوع صبح صادق **روایت** کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب
 تهذیب پسندیده صبح که اسمعیل بن سعد الاشعری گفت پرسیدم از
 حضرت امام رضا علیه السلام از افضل ساعات و تر پس آنحضرت
 فرمود که دوست ترین ساعاتی و تر نزد من فجر اول است و در
در حدیث که شخصی در لعل شب پرسید از حضرت امیر المومنین
 علیه السلام از وقت و تر آنحضرت جواب گفت تا وقت ما بین
 صبح کاذب و صبح صادق شد حضرت امیر علیه السلام بدون آنکه
 مسجد و مسجد بار باره که در کجاست اگر سوال کرد از وقت و تر نیکو
 ساعتی است نماز و تر را این ساعت بعد از آن برخواست آن
 حضرت و نماز و تر را حیای آورد و **سنن** است که چون صبح
 صادق طلوع کند این دعا خواند یا قال فقیه من حیث لا ادری و آخره
 من حیث ادری صل علی محمد و آله و اجعل یومنا هذاه **اَبْرَئِیلَ**
 و اوسطه فلا حا و اخره بخا حا

دعا در وقت طلوع
 صبح صادق

و در وقت طلوع صبح صادق دعا خواند یا قال فقیه من حیث لا ادری و آخره من حیث ادری صل علی محمد و آله و اجعل یومنا هذاه اَبْرَئِیلَ و اوسطه فلا حا و اخره بخا حا

روایت کرده ابن بابویه قدس سره در کتاب تهذیب صبح که
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نوح علیه السلام هر
 شام و صباح کردی و بر بکند و به بکنی اللهم انی اشهدک انه
 ما اصبح بی من نعمة و عافية فی دین او دنیا فیک فوجدک
 لا شریک لک الحمد و لک الشکر یاه علی حتی نرضی و بعد
 پس این بیت نام او عید شکر شد **روایت** کرده همین در کتاب
 کافی پسندیده حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چون
 صبح میشد حضرت امیر المومنین علیه السلام میگفت سبحان الله
 القلوس سر بار بگو اللهم انی اعود بک من ذوالهمذ
 و من تحویل عافیتک و من تجا و تقمیتک و من دلال الشفا
 و من غیر ما سبق فی اللیل و النهار اللهم انی استسک بعین
 ملکک و بیده و قوتک و بطن سلطانک و بقدمه ملک
 تفعل لی کذا و کذا و بجای که او که امطلب خود کرد
روایت کرده همین در کتاب کافی پسندیده صبح از حضرت
 امیر اسلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

و در وقت طلوع صبح دعا خواند یا قال فقیه من حیث لا ادری و آخره من حیث ادری صل علی محمد و آله و اجعل یومنا هذاه اَبْرَئِیلَ و اوسطه فلا حا و اخره بخا حا

کشت بر شخص که درخت می نشاند در زمین موقوفه خود پس سیصد
 سالی از عیب و آلام او بگذرد گفت ایامه کلمات که تشریح شد در
 که اصل آن است تو رسیدن سوره آن زودتر و سوره آن بهتر و باین
 تیر است این شخص گفت بی سر و اولالت کن یا رسول الله پس حضرت
 فرمود که چون صباح بخام کنی **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا**
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ پس بدستی که تر است بدستی ده درخت در بهشت از تو
 میوه این سببها باشد باقیات صالحات پس امام محمد باقر علیه السلام
 فرمود که آن شخص گفت بدستی که تر از کوه میگردم یا رسول الله که
 این موقوفه من صدق است موقوفه بر فرهای پس بدین که مستحق صدقه
 باشد بر آنزل ساخت خدای عز و جل از قرآن **فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى**
أَقْرَبَ وَصَلَةً بِالْحَسَنِ فَهَنِيئَةٌ لِلدُّنْيَى یعنی آمان کسی که عطا کند
 در پرسی و تصدق کند بر کسی که بی سر و دوا باشد که ما میسازیم
 او را برای آسانی **روایت کرده** پس بدست جمیل جمال العارفين رحمه
 الله بن علی بن طاووس قدس رود که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 فرمود کسی که صبح کند و در دست راست او باشد **کَشْتَةُ** که در

کشت بر کسی که درخت می نشاند در زمین موقوفه خود پس سیصد سالی از عیب و آلام او بگذرد گفت ایامه کلمات که تشریح شد در

والله أكبر

عقیق باشد و پیش از آنکه کسی را بر بند کنی اورا بگردان که سگت
 و آنا از زن و سحر آید تا آخر و بعد از آن بخوان **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجَدِثِ وَالْطَّاغُوتِ وَالْمَنْتَ بِيْرَالِ عَمَلٍ وَعَلَىٰ نَبِيِّهِمْ**
وَظَاهِرُهُمْ أَطْمَنُّهُمْ تا چار و خدای تعالی او را در آخر روز از شهر
 آنچه از آسمان پایین آید و آنچه بر آسمان بالا رود و آنچه در زمین
 رود و آنچه از زمین بیرون آید و در جز خدایا باشد تا شام که
روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در
 صبح سه بار باید گفت **أَسْتَوْجِعُ اللَّهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ**
وَقَضَىٰ وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَالْإِخْوَانَ الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي
رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي پس استودع الله المرحوم المرحوم
لِصَفَةِ الْعَظِيمَةِ كُلِّ نَبِيٍّ وَنَبِيٍّ وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي
وَالْإِخْوَانَ الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي **مصل**
 باید که در محل طلوع صبح صادق با وضو باشی تا از آن صبح را باطهارت
 با آنچه وضو کنی کامل و ایمان کنی هر چه سر بوی که وضو سازی
 بسواک کن و باید که بر عرض نه اسمها یعنی بر چنان سوای کنی بطول

غیر از این در صورتی که پیش از آنکه کسی را بر بند کنی اورا بگردان که سگت و آنا از زن و سحر آید تا آخر و بعد از آن بخوان
 که در وقت طلوع صبح صادق با وضو باشی تا از آن صبح را باطهارت با آنچه وضو کنی کامل و ایمان کنی هر چه سر بوی که وضو سازی بسواک کن و باید که بر عرض نه اسمها یعنی بر چنان سوای کنی بطول

یعنی نه بر از روی و نه آنها و کافی است انگشت از چوب سواک **روایت**
 کرده در کتاب تهذیب که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سواک یا مسواک
 در وقت وضو سواک و غرض آنست که مایه نیکو شهادت
 و انگشت بزرگ بر زده آنها در وقت وضو ثواب سواک کردن دارد
و سنت رو به قبله بودن در حال وضو و اگر علمای ما ذکر کرده
 و بعضی ذکر کرده و پستند شده با پنج منقول از ائمه علیهم السلام
 که بهترین جای پس آنست که رو به قبله باشد پس که وضو از طرفین
 سازی که ممکن باشد دست و فرود بردن آنرا بر جانب راست
 و اگر از هندی یا چوخی وضو پس از آن بچپان نشین کر آن بر جانب
 راست تو واقع شود و اگر جمع توان کرد میان رو به قبله نشین
 و گذاشتن آب وضو بر جانب راست پس ظاهر ترجیح استقبال است
 و چون نظر بر آب کی بگو الحمد لله الذي جعل الماء طهورا و لا یلهی
 یجعلنا نبیا پس بشود پستند آماند ما پیش از آنکه آب فرود بی
 یکبار اگر از حدش بول یا نجس وضو سازی و از حدش با دو

در وقت وضو سواک
 و اگر از هندی یا چوخی
 وضو پس از آن بچپان
 نشین کر آن بر جانب
 راست تو واقع شود

دو بار از حدش غایب و شستن دستها پیش از وضو از غیر این سه
 سنت نیست و اگر وضو از چوخی یا بر چوخی پس از آنست
 عمل آنست که شستن دستها درین حال سنت نیست و بعضی دیگر
 میدانند و این بر بیت **بهار** دست در آب زن و بگو آنچه در دست
 کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
 که چون دست در آب بگذاری بگو بسم الله و یا الله اللهم اجعلنی من
 الذی یسئ و یجلی من المظلمین پس بر ما رخصه یعنی آب در دهن کن
 سه کف سه بار هم در چپ کن و بگو عجب هر کف فعلی و عانی را کرده
 هم کرد پس دست راست کنی آب بر دست
 کن که وضوی واجب میسازم برای مباح بودن نماز جهت اشغال
 معالی و معارف بر نیت شستن بالای برود او حکم نیت را و ایام و احوال
 فایده شستن و بسم الله بگو چنانکه روایت کرده در کافی از امام محمد
 علیه السلام و فایده آنست که بسم الله اول کافی نیت بلکه انجام
 باید گفت زیرا که آن برای شروع در سنت بود و این برای
 موعود واجب است و تجویز کرده اند معارف مباح نیت را شستن

در وقت وضو سواک
 و اگر از هندی یا چوخی
 وضو پس از آن بچپان
 نشین کر آن بر جانب
 راست تو واقع شود

هر مایه است اگر شرايطش موجود باشد و بمقتضای او با پستشاق هم
 بدلیل آنکه این بر سه از افعال وضوی کف در این طایفه و در قدس
 توفیق کرده و در جایز بودن مقارنه نیت بفرشتن رود و احتیاط
 یا اوست و چون آب بر روی زمین دست بر آن کشند چنانکه
 اصحاب عصمت سلام الله علیه هم فرمودند نزد حکایت وضوی مانی
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و خلاصی از خلاف کسی که دست کشیدن را
 واجب میداند و واجبیت که هر جزوی از اجزای رو که مال است
 بشوی پیش از روی که پامن آن جزو است بلکه چون آینه اشیتن علی
 رو که کفایت و حد و در طول و عرض است کرده که بجز بر او ایما
 و وسطی یعنی اکت زبرک و کشت میانه بر آن کرد چنانکه ناطق
 بر آن قول صحیح ز راره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پان
 آن در شرح چهارم از کتاب چهل حدیث و **و حدیث** تخیلی
 رسانیدن آب بر روی که پوست رو از زیر آن دیده شود وقت
 مواجبه یعنی رو بر بودن چنانکه شستن بر وضو وقت اید اما موی که پوست
 رو در مجامع مخاطبه دیده نشود در تخیل آن واجب نیست بلکه

حدیث

شستن ظاهر آن موت و چشمها را بکشد در حال وضو **و حدیث**
 کرده و نهقی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
 بکشد چشمها را از وضو است که چشمها را نپنداشد چشم را و اگر
 عملی یادگراین در سستیهای وضو کرده اند و بعضی را نظیر شده
 که در اعمال آن باشد که شستن وضوی قدس سره نقل کرده است
 بر آنکه نیت رسانیدن آب وضو بر روی چشمها و شستن
 قدس سره در کتاب ذکر می فرموده که منافاتی نیست میان آن
 دو زیرا که میتوان بود که چشمها را بگردن منت باشد و آب بر روی
 چشم کردن منت نباشد و چون فارغ شوی از شستن رو کفی از
 آب بردار بدست چپ چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 که در دو بیان وضوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را شویان
 راست از فرق تا انگشتان و دست چپ بر آن کشش و انجا
 واجبست رسانیدن آب بر روی مو خواه مو بسیار باشد و خواه اندک
 و آینه کن شستن ظاهر دست و زن آینه کند یا طین دست **بعد از آن**
 دست راست کفی آب بردارد و بان دست چپ را بشوید چنانکه

راست را شستی و باید که هر یک از دو دستها یکبار یکبار شوی
 نه زیاده چنانکه مذکور است و این با بوی بعد از آن تری
 دست راست مسح کن بعد از آنکه پهلوی هم نهاده پوست پیش
 سر را با موی که در آنجا رویده و بکشید پرون زود از صد رو و
 باقی مانده آن تری مسح کن دست پای راست را از سر انگشتان
 تا کعب یعنی تا بند پا اینجا که از هم جدا میشود با از قدم و کعب
 نیت مسح پا من ترا کعب و این هم در شرق است پس غسل
 المین مذکور است **بعد از آن** مسح کن پشت پای چپ را به تری
 دست چپ و باید که مسح سر و قدمها بکند و دستها باشد در پشت
 دستها که بهای ضرورتی و باید که دست کشیده شود بر سر و قدمها
 و کعب نیت دست بی کشیدن و باید که قدمها را مسح کنی تمام
 چنانکه در تهذیب روایت کرده بر سند صحیح از امام محمد باقر
 که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام از مسح پا
 قدمها که چگونه است پس آنحضرت گذاشت کف دست خود را
 بر انگشتان پا پس مسح کرد آنها را تا کعبها بس که هر کس بدو

کدشتن

از انگشتان خود مسح کن همچنین تا کعبین آنحضرت فرمود که اگر
 بگفتی کلها یعنی مسح تمام نیت مگر بگفت و تمام کف **و باید که**
 افعال و وضو را پی در پی بچسبی آری بی تأخیر میان آنها با رعایت
 ترتیب مذکور حتی در مسح قدمها چنانکه مختار جمیع است از مقدمه غسل
 تا و کعبینی در کافیه روایت کرده بر سند حسن که حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام فرمود که مسح کن بر قدمها و البته کن نیت
 راست **و باید که** که بخوانی نزد هر فصل از افعال وضو دعائی که گفته
 برای آن فعل چنانکه در فصل آئینه مذکور میشود و چون از وضو فارغ
 شوی بگو الحمد لله رب العالمین چنانکه شیخ طوسی قدس سره آورده
 روایت کرده بر سند صحیح **بعد از آن** بگو اللهم اجعلني من التوابين
 واجعلني من المتطهرين اللهم اني اسألك تمام الوضوء و
 تمام الصلوة و تمام رضى انك والجنة
 زیرا که بیشتر افعال مذکوره در جمع دعا است و افعالی که
 واجبات ده است نیت آنهاست حکم و شستن رو و دستها
 و مسح سر و قدمها متصل از سر قدمها تا کعب و ترتیب و موالا

نی روی بودن افعال و مباشرت یعنی خود وضو ساختن مگر برای
 ضرورت سست تر کند یعنی مسجد از وضو بنده است
 کردن توی وضو روایت کرده که کسی در کافی که حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی وضو کند باشد او را
 حنه و اگر تمند کند تا آنکه خشک شود آب وضوی او باشد او را
 سندی و ظاهر آنست که عمد خشک کردن آب وضو با قیاس یا
 مثل تمند باشد و باکی نیت وضو ساختن در مسجد از غیر حدیث
 و غایب و ازین دو حکم دست چنانکه روایت کرده در کتب
 بسند صحیح **فصل** روایت کرده در کافی که آنرا اسلام
 المحدثین در فضیله و شرح الطائفة و تهذیب زعماء الرحمن
 بن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که
 حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شسته بود با پیر خضیه رضی الله
 عنه گفت یا دای محمد یا طرفی از آب وضو سازم بر او
 نماز پس او در برای آن حضرت محمد آب پس آنحضرت گفتی از
 آب برت است رحمت بر دست چپ پس گفت بسم الله

و تمند

چنان وضوی حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام

عن علی بن ابي بصير قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 لا تجتهد ولداً ولا تكن له شريك في سنة
 و كثره تكبيرا **پس آن** تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
 و در بگوید این مخصوص بیستم **لا اله الا الله وحده لا شريك له الملك**
وله الحمد يحميكم ويميت ويحيي بيد الخيرة وهو على كل
شيء قدير و در بگوید این مخصوص است بر صبح
سبحان الله العظيم و محمد و لا حول و لا قوة الا بالله العلي
العظيم و صبارك ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلي
العظيم و صبارك استغفر الله و اتوب اليه و صبارك استغفر
بالله الزائد و اسئله الجنة و در بار اللهم صل على محمد
و آل محمد و محجل فرجهم و در بار شهدان لا اله الا الله وحده
لا شريك له لها و احدا احد اذرة احمد ان لا تجتهد صلاحة
ولا ولدا و اوسى سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اكبر و افضل انت که ذکره است چنانچه در استسجی
 از خاک امام حسین علیه السلام شمره روایت کرده

وكتب في نسخة بخطه كبري حضرت امير المؤمنين
 صلوات الله عليه فرموده كه ترتيب امام حسن عليه
 افضل چيز است كه تسبيح را با آن خطا كند بجز تسبيح كه تسبيح
 كه فرموده است كه تسبيح كفن را و تسبيح خان امام حسين
 دست بگردانيد سر نوشته شده است تسبيح براي او يعني ثواب آن
 تسبيح كه فرموده است كه **سب از آن** كه بود اين مخصوص است بچشم
 يا قلب الفلوب والابصار صل على محمد وآله و ثبت قلبى
 على نيك و دين نبيك صلواتك عليه وآله ولا ترغ قلبى عبد
 از هديت و هب لى من لذنك رحمة انك انت الوهاب اللهم
 انى اعوذ بك من زوال نعمتك و تحويل عافيتك و من جارة نعمتك
 من يدك الشقاء و من تشتر سابق فى كتاب اللهم ان
 اسئلك بجزء ملكك و عظيم سلطانك و عند قولك على جميع خلقك
 ان فصل على محمد و آل محمد و ان تفعل فى كذا و كذا مطلب
 ذكر كن حياى كه او كه **سب از آن** اعيد نفسى و اهلى و ما
 و ولدى و اخوانى و مائة منى و منى و جميع من يعينى ائمة الله الابرار

۱۰۵۱۴

خط
۲

لاسد القملا الذى لا يلد و لا يؤلد و لا يكن له كفوا احد
 و ربك لخلق من تشاء ما خلق تا اخر سورة و يرسد الناس اخر سورة
 و بجز ان الحمد و آية الكرى نامهم فيها خالدون و شهد الله له آية الله
 الالهة و الملائكة و اولو العلم قائما بالعبودية لا اله الا هو العليم
 الحكيم ان الذى عنده الله الاسلام **سب از آن** **سب از آن** **سب از آن** **سب از آن**
 الملك توفى الملك من تشاء و تبرع الملك من تشاء و تبرع من تشاء
 و تدبر من تشاء بيدك الخير انك على كل شى قدير توبخ الليل
 و النهار و تعرج النفا فى الليل و تخرج الحي من البطن و تخرج الميت
 من الحيا و ترزق من تشاء بغير حساب **آية السجدة** ان تكبر الله
 الذى خلق السموات و الارض فى ستة ايام فاستوى على العرش
 فى السابعة و تعرج النفا و يطلبه خبيثا و التمس و اقتصر و التجرد
 باسمه الاله الخلق و الامر تسابك الله ربنا العالمين او عمادتكم
 نصر ما و حمية لانه لا يئيب المعتدين و لا يفسد و فى الارض بعد
 اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان نعمة الله قريب من الحسنة
 و آخر الكهف فلو كان الجرم مائة اكلية ربى لقد اجر قبل

سجده

ان تمدد كفات ربي واوجينا فينله مددا قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي
 انما اهل لكم الله واحد من كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا
 صالحا ولا يشرك بعبادته شيئا **اولها** **بسم الله الرحمن الرحيم**
 والصفوات صفقا فالنحويات رجلا فالتاليات ذكرا
 ان اهلكم لواحد رب السموات والارض وما بينهما ورب
 المشافيق انا وصي القماء الدنيا بنية الكواكب وحفظا
 من كل شيطان ما يد لا يمتعون الى الملاة الاعلى وقدا
 من كل جانب رجوما وهم عذاب واصيب الامر خطف
 الحظفة فاقبه شهاب ثاقب **وسورة** **الرحمن** **الرحمن** سبحان ربك
 رب العرش عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب
 العالمين **سورة** **الرحمن** يا معشر الذين والانس ان استظعم ان
 تفقدوا من اقطار السموات والارض فانفقدوا لاشفقوني
 الا بسلطان فياي لادونك كدبان يرسل عليكم امرا
 من نار ونحاس فلا تتضرروا **وهداية** **سورة** **الرحمن** لو انزلنا
 هذا القرآن على جبل لكان لينة فانا نعلم ان تخشى الله

وتلك الامثال تضر بها الناس لعلمهم يتكبرون هو الله الذي لا
 اله الا هو الغالب الغيب والشهادة هو الهمم الرحمن الذي لا
 اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن العزيز الجبار المتكبر
 سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له
 الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
سورة **الرحمن** وواژه بار قل هو الله احد عبد ازان اين دعا بخواند
 كه نامى دستاش ده اللهم باسمك لتكون الخزيون الظهور
 انما بك واسئلك باسمك العظيم وسلطانك القديم يا اهل العظام
 يا مطلق الاناري يا مكارم القلوب من انوار ان صلى على محمد
 وآل محمد وان تعنى رحمتى تراث اوقان يخرجني من الدنيا امتداد
 تدخلني الجنة سالما وان جعل دعائي اقله فلاما واسطره لانا
 وامن صلا كما انك انت علام الغيوب **واین هم مخصوص است**
 اللهم اني اصحبت اشهدك وكفى بك شهيدا واشهدك
 وحمل عرشك وسكان سمواتك وارضتك وانبيائك ورسلك
 والصلوات من عندك وجميع خلقك فاشهد انك وكفى بك

سورة

اي اسئلك

اسئلك

وبللا

شَهِيدًا إِذَا شَهِدْنَا نَكَ أَنْتَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ عَمَلًا صَلَّيْتُكَ
عَلَيْهِ وَاللَّهُ عَمَلُكَ وَسُؤْلُكَ وَأَنْ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَمَلِكَ
إِلَى قَوْمٍ يَرْضِيكَ السَّامِعِ السَّمْعِيَّ بِالْإِطْلِاقِ وَالْمُعْتَمِدِ بِالْمَعَادِ وَجَمَلِكَ
أَلْكَرِيمِ فَإِنَّ أَعْرَافَهُمْ كَرَمٌ وَالْجَلُّ وَالْعِظَمُ مِنْ أَنْ يَصْرِفَ
أَلْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ وَأَوْهَمْتُمْ فِي الْقُلُوبِ الرُّكْنَ وَالْعِظِيمِ
بِأَنْ تَأْتِي مَدْحُ الْمَادِحِينَ فَخَرَّ مَدْحِهِ وَعَدَا وَصَفُ الْوَاوِصِينَ
سَاءَ زَجْرِهِ وَجَلَّ عَزَمُهُ فَالْقَائِلَاتُ طِفِينَ تَعْظِيمُ شَانِهِ مِثْلَ عِلِّ
حَسْبُكَ وَالْغَمُّ وَالْفَعْلُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ الْقُوَى وَ
أَهْلَ الْقُفُوفِ **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** كَمَا سَخَّ اللَّهُ تَعَالَى
وَكَمَا حَيَّبَ اللَّهُ أَنْ يَسْبِيحَ وَكَمَا يَتَّبِعُ لَكَ رَجْمُهُ وَعَمْرُ
جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ كَمَا حَمِيدًا لَمْ تَنْسِ وَكَمَا يَحْتَسِبُ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا
هُوَ أَمَلُهُ وَكَمَا يَتَّبِعُ لَكَ كَرَمُهُ وَجَمِيلُهُ وَجَمَلُهُ وَلَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ كَمَا أَهْلَلَهُ اللَّهُ بِنُورِهِ وَكَمَا حَيَّبَ اللَّهُ أَنْ يَهْتَلِكُ وَكَمَا مَهَّدَ
أَمَلُهُ وَكَمَا يَتَّبِعُ لَكَ كَرَمُهُ وَجَمِيلُهُ وَجَمَلُهُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
كَمَا أَكْبَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَكَمَا يَحْتَسِبُ اللَّهُ أَنْ يَكْبُرَ وَكَمَا هُوَ أَمَلُهُ وَكَمَا يَتَّبِعُ

وَكَمَا هُوَ أَمَلُهُ

لَكَ بِرَجْمِهِ وَجَمَلُهُ وَسُؤْلُكَ وَاللَّهُ تَعَالَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ أَعْرَبًا عَلَى وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ
إِلَى نَبِيِّهِ الْقِسْمَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْئَلُكَ
خَيْرَ مَا أَنْ جُودَ خَيْرِ مَا أَنْ جُودًا وَعَوْدُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ مَا أَحَدٌ مِنْ قَوْمٍ
مَا لِأَحَدٍ **وَأَيْنَ رَاوِشِ مِمَّ نَجْوَانِ**
بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي كَثُرَ
مَعَ أَسْمَائِهِمْ وَلَا دَاءَ لِبِسْمِ اللَّهِ صَحِبَتْ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى
قَلْبِي وَبِسْمِ اللَّهِ عَلَى عَيْنِي وَعَقْلِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَمَلِي وَمَا لِبِسْمِ اللَّهِ عَلَى
مَا عَطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ مَعَ أَسْمَائِهِ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا وَلَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللَّهُ
أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ
وَجَلَّتْ أَوْكُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
بِكَفِّ عَنِ النَّاسِ عَمَّا يَفْعَلُونَ مِنْ تَرْكِ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَمَنْ تَرَكَ كُلَّ سُلْطَانٍ
وَمَنْ تَرَكَ كُلَّ جَائِعٍ عَيْدٍ وَمَنْ تَرَكَ فَنَاءَ السُّوءِ وَمَنْ تَرَكَ كُلَّ لَبِيبَاتٍ
أَسْئَلُكَ بِصَبْرِكَ أَنْ تَكُنْ عَلَى صِرَاطِ سُبْحَانَكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ

اللهم

١٥٥١٤

خط ٣

ك

اللَّهُ الَّذِي زَلَّ الْكِتَابَ وَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامِ يَأْتُنَا فَضْلًا حَسْبَىٰ لِلَّهِ لَا
 لِأُمَمٍ عَلَيْهِ تَوَكَّلَتْ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَكَيْفَ كُفِرْتُمْ لِمَنْ جُمِعَ
 الْعِلْمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِالْقُدْرَةِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **وَيُكْرَهُ أَنْ يُعْرَفَ عَارُكَ مَحْضُورًا مَتَّعِي بِيَسْمِ اللَّهِ وَتَعَلَّى**
اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفْضَلُ مَرِيٍّ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَنْصِبَ بِالْعِبَادِ قُوَّةَ اللَّهِ
سَيِّئَاتٍ مَأْسُوكًا وَلَا إِلَا إِلَّا أَنْتَ سَمِعْنَاكَ لَنْ نُكْرِمَكَ مِنْ ظَالِمِينَ فَإِنَّ
لَهُ حِجَابًا مِنْ أَعْيُنِ الْعَالَمِينَ وَكَذَلِكَ يُجِيبُ الْمُؤْمِنِينَ حَسْبَا اللَّهُ وَيَعْمَى الْوَكِيلُ فَاهْتَدِ
يَعْتَمِدِينَ اللَّهُ وَفَضَّلْ أَلْمَسِيئَةَ سَاءَ مَا نَشَاءُ اللَّهُ لِأَهْلِهِ وَلَا نُوَفِّيهِ إِلَّا
بِاللَّهِ مَا نَشَاءُ اللَّهُ لِمَا نَشَاءُ النَّاسُ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ لِشَيْءٍ خَبِيرًا
الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبَىٰ خَالِدِينَ الْخَالِدِينَ حَسْبَىٰ الرِّزْقُ مِنَ الرِّزْقِ
حَسْبَىٰ النَّبِيُّ لِمَنْ نَزَلَ حَسْبَىٰ حَسْبَىٰ مَنْ كَانَ مَدِينَتُهُ حَسْبَىٰ حَسْبَىٰ لِلَّهِ
لَا أُمَمٌ عَلَيْهِ تَوَكَّلَتْ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ**
أَصْبَحَ عَلَىٰ سَجْدَةٍ مَقْبُولَةٍ وَأَصْبَحْتُ نَوْمًا وَسَجْدَةً بِمَقْرَنَاتِكَ وَصَبَّحَ
خَوْفِي سَجْدًا بِأَيْدِيكَ وَأَصْبَحَ قَلْبِي سَجْدًا بِعَيْنِكَ وَأَصْبَحَ ذَلِي
سَجْدَةٍ بِإِعْرَابِكَ وَأَصْبَحَ صَفْحِي سَجْدًا بِقَوْلِكَ وَأَصْبَحَ وَجْهِي الْمَقَابِلَ

سبحان

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا كَاتِبَ الْقُلُوبِ يَا كَاتِبَ أَعْمَالِ كُلِّ نَفْسٍ وَيَا مُنَادِيَ
 كُلِّ نَفْسٍ بِأَسْمَائِهَا وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُتَضَلِّينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُتَضَلِّينَ
 حَيْثُ أَخْتَبُ وَبِغَيْرِ حَيْثُ لَا أَخْتَبُ **بِعِدَارِ ان رِبْت** است ريبين
 ودر سب را بر آسمان بر آید و اینست **بَارِبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٌ وَعَلَىٰ مُحَمَّدٍ**
وَعَلَىٰ فِرْعَانَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٌ وَمَعْتَبَرٌ بِرَبِّكَ يَا رُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
عَمَّا دَانَ فِي رَيْبٍ مِنَ الشَّيْءِ وَإِنْ كُنِيَ بِاللَّهِ يَا خَيْرَ مَا يُعْبَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا
أَسْتَعِيْنُ لِلْهُدَىٰ يَا مُجِيبُ دَعْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ يَا رُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ
يَا رُبَّ كُلِّ شَيْءٍ يَا رُبَّ كُلِّ شَيْءٍ يَا رُبَّ كُلِّ شَيْءٍ يَا رُبَّ كُلِّ شَيْءٍ يَا رُبَّ كُلِّ شَيْءٍ
فَرِحَ عَمَّا لَمْ يَلْمَسْ وَلَا يُلْمَسْ إِلَّا بِالْحَقِّ الَّذِي تَصِفُكَ بِمَنْ سَوَاءَكَ
****سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ** مَعْصَمًا بِدَمَامِكَ الْمَسْبُوعِ الَّذِي لَا يُجَاهَلُ وَلَا**
يُظَلَّمُ وَلَا يَنْتَقَلِبُ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ بِنُحْبَةٍ
مِنْ كُلِّ عَرْفٍ يَلِيَّاسَ سَاعِدَةٍ وَلَا أَهْلِي بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ كَلِمَاتِي يَا ذِي الْعِزَّةِ يَا ذِي الْقُدْرَةِ يَا ذِي الْإِسْمَاءِ
لَنْ أَعْتَرِفَ بِعَيْبِهِمْ وَاللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ مَوْفِقًا يَا مَنْ لَمْ يَلْمَسْ وَمَعَهُمْ
وَفِيهِمْ وَبِهِمْ وَأُولَىٰ مِنْ أَوْلِيَ الْأَجَانِبِ مَنْ جَانِبُوا فَضْلًا عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ

محمد

وَعَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ
 وَيَا قُدْرَتِي مِنَ الْخَيْرِ النَّبِيِّ
 وَعَذَابِ الْآخِرَةِ
 فَأَسْتَعِيْنُ وَطَارِقِي مِنْ سَائِرِ بَرِيءٍ

وَاعِزِّي اللَّهُمَّ بِمَنْ شِئْتَ يَا عَظِيمَ حُرَّتِ الْأَعْدَاءِ عَمِّي بِلَيْعِ
 الْكُفْرَاتِ وَالْأَرْضِ وَجَلَّتْ بَيْنَ يَدَيْهِمْ سُدَّوَيْنِ خَلْفِهِمْ سُدًّا
 مِنْ تَلْفِيفِهِمْ سُدًّا فَأَعَشِيَانَهُمْ قَوْمَ لَا يَصْرُونَ **پس بگو** و این مخصوص
 سب است الحمد لله الذي ذهب الليل بعدنا وحباه بالشهادتين
 خلقا بعدنا ونحن في عافية بمناجاة وجوده وكرمهم مرحبا بالخالقين
 و متوجه بوجوب رکت **بگو** يَا كَا اللَّهُ كَابَيْنِ وَتَوَجَّهْتُ بِحَبِيبِ
 أَكْبَرِ حَيْكَا اللَّهُ بِيَمِ اللَّهِ شَهِدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ وَشَهِدَانِ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَشَهِدَانِ التَّسْلِيمِ أَيْ لَا
 رَيْبَ فِيهَا وَإِنَّ اللَّهَ يَعْتَمِدُ عَلَى الْقَبُولِ وَعَلَى ذَلِكَ وَعَلَيْهِ أَمْرٌ
 عَلَيْهِ أَيْضًا نَسَاءُ اللَّهُ أَقْرَبُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
پس بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الشَّهَادَاتِ وَالْجَلِي وَجَلِي
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي السَّبِيلِ إِذِ الْغَيْثِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي
 الْأَخْرِقِ وَالْأَوْقَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْمُدْبِئَانِ وَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا أَطْرَدَ الْخَافِقَانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا حَادَى
 الْكَاذِبَانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا عَسَرَ سَبِيلَ وَمَا أَظْلَمَ ظُلَامَ

محمد

چون می رود پس اگر نافه ظهر تمام کرده باشد نافه را ترک کند
 و مشغول گردد بر نماز واجب و اگر از نافه یک رکعت تمام کرده باشد
 و این تعارض شدن از ذکر سجده دوم رکعت اول متحقق شود اگر
 سر از سجده بر نه داشته باشد پس نافه را تمام کند بعد از آن مشغول
 شود بر فرض و اظهار است که درین صورت شش رکعت دیگر هم او
 زیرا که این شش رکعت در حکم یک رکعت است **و بعد اینها** نماز ظهر کذا
 و بعد از آن ملاحظه کنی که اگر چه سبب شاخص دور بر این شخص
 نشده باشد شروع کند در نافه عصر و اگر شده باشد وقت نافه
 رفته و حکم این هم مثل نافه ظهر است در تمام و ترک **اما** در مجموع
 زیرا که بر شش رکعت نافه ظهر و هشت رکعت نافه عصر چهار رکعت
 دیگر که مجموع هشت رکعت باشد هم نافه جمع است شش رکعت در
 وقتی که شعاع افتاب همین شود و شش رکعت وقتی که افتاب غیب
 شود و شش رکعت وقتی که رات بایستد و دو رکعت بعد از
 زوال **فصل دوم** چون زوال متحقق شود بگو آنچه رئیس المحدثین
 در فیه روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام

یک رکعت

کرده محمد بن مسلم را با و گفته محافظت و مداومت کن در این
 محافظت میکنی چشمهای خود را استعجاز الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
 الله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك في الملك و له يَكُونُ له و يَكُونُ من الذي و كبره تكبير **بعبدان** و خصوصاً در شروع
 کن در نماز خواندن و اول سیرت کن کرد و رکعت نماز خواندن و اول سیرت کن
 سنت تقرب بخدا و کبیره الاحرام بگو و کبیره و کبیره دعای اللهم
 انت الملك المتعالي رانا اخرنجان و بعد از آن دو کبیره و کبیره بگو و دعا
 بکن و بعد بکن رانا اخرنجان بعد از آن دو کبیره و کبیره بگو و دعا
 و جنت و جنت رانا اخرنجان بعد از آن حمد و الله من استغاث
 الرحيم بگو بعد از الحمد سورة قل يا ايها الكافرون نخوان و در
 دوم بعد از الحمد قل هو الله احد چنانکه کلینی روایت کرده است
 بیچ بعد از سلام سه کبیره بگو و تسبیح فاطمه زهرا علیها سلام نخوان
 بعد از آن بگو اللهم انضعف فقو في رضاك ضعفي وخذ
 اليك من صابتي واجعل الايمان منتهى رضائي
 و يا رب اني فيما قدمت لي و بلغني بحضرتك كل الذي

آهسته

اجتوا

ادعوا منك و اجعل فيك **بعبدان** دو رکعت دیگر بگزار اما در اول
 این کبیره فتوح بگو و پس بعد از آن دو رکعت این دعا بخوان
 و همچنین تا شش رکعت بگزار بعد از آن برای نماز ظهر بگو و در
 نماز کن بعد از آن قنات بگو و بعد از آن قنات این دعا بخوان
 اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلوة التامة
 بلغ محمد صلى الله عليه و آله الدرجات و الصلوة و
 الفضل و الفضيلة يا الله استفتح و بالله استفتح و بحمد
 صلواتك عليه و آله اتوجه اللهم صل على محمد و آل محمد
 اجعلني و جيتاني في الدنيا و الآخرة و من المصدقين
بعبدان مشغول شو نماز ظهر با دانی کرد نماز صبح مذکور شد
 و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند بگو و باقی را آهسته بخوان
 و در رکعت اول بعد از الحمد سورة تسبیح اسم ربك الاعلی بخوان
 یا سورة که بعد از اینها باشد چنانکه در تهنیت روایت شده است
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تسبیح صحیح و در دو رکعت
 سورة الحمد تنها یا سه بار بگو پس جان الله و الحمد لله و لا اله الا الله

۴۴

و سرور المؤمنین و محمد صلی الله علیه و آله

چاکه کوشم

استغفر الله بعد از آن کلمه کوع کبود و دستها را برداشته چهار رکعت تمام کن و بعد از سلام سه بار الله اکبر بگو بعد از آن بخوان
لا اله الا الله لهما فا حداد و سخن لئلا مسلوبت تا آخر فرموده
صبح مذکور شد بعد از آن تسبیح ناطق علیه السلام را بگو در هر دعائی که خواهی از آنها کرد در تعقیب صبح مذکور شد بخوان صوا
انچه مخصوص است بصبح یا آنکه مضمون دخول صبح است و سه دعوی
آخر بعد از آن بگو یا من اظهر الجبل وستر الصبح یا من اظهر
یا بحریر و یا من اظهر الجبل وستر الصبح یا من اظهر
یا نعم کل شیء یا احسن التاج و یا واسع المغفرة یا ابا طلبة
یا شکر یا سامع کل شیء یا من اظهر الجبل وستر الصبح یا من اظهر
یا اباه یا سیداه یا سیداه یا قایده رعنا ه یا ذا الجلال
والا کرام اسئلك بحمد محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین
و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد
صاحب الزمان سلام الله علیهم اجمعین ان یسئلی علی محمد و
آل محمد و ان تکف کربی و تقصر عنی و ترضی عنی و تسرع فی

و تصلیح شأنی فی فی و دنیای و ان تدخلی الجنة و لا تنق و خلیق
ربنا انک لا تفرح الا بشعاع من امانه ربنا انک لا تفرح الا بشعاع من امانه ربنا
صبح از آن کلمه یا سامع کل صوت و یا جامع کل صوت یا بارک
النعوم بعد الموت یا باعین یا وارث یا اله الا اله یا حبان العجا
یا مالک الدنيا و الاخرة یا رب الابرار یا مالک الملوک
یا طاهر یا الباطن الشدید یا منبئنا بالمعید یا فتا الابرار یا
یا معصی عدا الافکار و یفعل الافکار یا من السر عند علا
اسئلك بحمد محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد
علی ان یسئلی علی محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد
علی ان یسئلی علی محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد
یا رب نیک الدعای الیک یا ذک و امینک فی
ارضک و عینک فی عبادک و محمد علی خلقک علی و صلوات
و برکاتک اللهم ابدیه بصرک و قواصیه و صبرک
و اجعل هم من لدنک سلطانا نصیبا و عجل فرجه و مکنه من
اعدائک و اعداء رسولک یا ارحم الراحمین

یا رب تفعل فیما
انت اهلهم

یا سید السادات

یحیی علی

و علی
و انصر عبدک

بعد از آن اللَّهُمَّ بِبِالسَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَدْنِ
 السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا خَلَقْتَهُنَّ وَرَبِّ
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ
 وَإِسْرَائِيلَ وَرَبِّ السَّبْعِ الْمَشَافِقِ وَالْقُرْآنِ
 الْعَظِيمِ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللَّهُمَّ بِإِسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ
 تَقْوَمُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَبِهِ تُحْيَى
 الْمَوْتَى وَتَرْتَدُّ الْأَحْيَاءُ وَتَقْدَرُ
 بَيْنَ الْجَمِيعِ وَتَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ
 أَحْصَيْتَ عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَوَدِدْتُ
 الْجَبَابِلَ وَكَيْلَ الْفَجَارِ وَأَسْأَلُكَ
 يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
 تَقْعُدَ بِي كَعَدَا وَكَعَدَا
 و حاجت خود بطلب پس سجده های شکر کن و در آنها بعد از آن

مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ

که بخورد باریاب اول مذکور شد **فصل سیم** و بعد از فارغ شدن
 از مناسقات نماز ظهر و عصر و در اینجا وقت یکم است
 بلکه همان یکم است فتح است زیرا که آن وقت یکم در نمازهای
 سنتی است مگر در چهار نماز اول تا ظهر اول و اول تا ظهر
 و و تیره و یکم است و در آنچه خواستی بخوان در نماز عصر از سورته
 اولی سوره تا میث که از این همه هر یک علیهم السلام در آنهاست و احیاً
 کند سوره که خواندنش باعث پروان رفتن وقت باشد و از
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر کس سوره صفت
 در نمازهای واجب بخواند خداوند تعالی او را در صف ملائکه و
 رسول بدارد و **عجل از آن حضرت** هر که او مت کند بخواند سوره
 ق در نمازهای واجب و سستی و اسع کرده خداوند تعالی
 او روزی او را عطا کند کتاب او را بدست راستش و حساب
 او را حساب انگی و از آن حضرت است که بسیار تلاوت کند آن
 در نمازهای واجب و سستی زیرا که این از ایمان محمد و رسول
 اوست و هر که از خواننده آن طلب نشود ایمانش **بعد از فراغ**

که زعفران کوشیده
 درین نماز و غیر آن

و سستی م

از دور کمت اول کبر اللهم انه لا اله الا انت الحي القيوم
 العبد العظيم الخليل الكريم الخالق الخالق المهيمن
 البديع البديع لك الحمد ولك الامن ولك الزكوة
 ولك الجود ولك الامر وحده لا شريك لك يا وليد
 يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
 ولم يزل صاحب ولا ولا وصل على محمد وآله وافعل به كذا وكذا
بس دور کمت ویک کبار و سب از آنها کبار اللهم رب السموات
 السبع تا آخر بس دور کمت ویک کبار و سب از آنها کبار
 اللهم اني ادعوك بما دعاك به عبدك يونس اذ ذهب
 مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فتادى في الظلمات
 ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
 فاستجبت له ونجيت به من الغم فانه دعاك وهو عبدك و
 انا ادعوك وانا عبدك وسئلك وهو عبدك وانا اسئلك
 وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تستجيب لي
 كما استجبت له وادعوك بما دعاك به عبدك يا ايوب اذ مسه

من غم اذ ذهب
 بالظلمة والظلمات
 بس دور کمت

الضر فدعاك اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت
 له وكفنت ما به من ضر وانت اهلته ومثلهم معهم
 فادعوك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك و
 سئلك وهو عبدك وانا اسئلك وانا عبدك ان تصلي
 على محمد وآل محمد وان تقدر عني كما فرجت عنه
 وان تستجيب لي كما استجبت له وادعوك كما دعاك
 به يوسف اذ فرقت بينه وبين اهله واذ هو في
 السجن فادعوك وهو عبدك وانا ادعوك و
 انا عبدك وسئلك وهو عبدك وانا سئلك
 وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل محمد و
 ان تفرج عني كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما
 استجبت له فصل على محمد وآل محمد وافعل به كذا وكذا
 و حاجت خود ذکر کند **بس دور کمت** از کبار و بعد از آنها
 کبار یا من اظهر الجبيل وستر القبح بس اذان کبار بس نماز
 عسرونه صد کن میان اذان و اقامت سجده و دعای با

محمد

گذاشت در نماز صبح و ظهر پس مشول شو نماز عصر بهمان
 ادواب که ذکر شد و بخوان در رکعت اول او **اِذَا جَاءَ الصُّبْحُ**
 وَالتَّيَمُّنُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ التَّكْوِيْنُ وَبِشْرُوعِهَا خَيْرٌ رَوَيْتُ كَرُوْدَ شَيْخِ
 الطَّائِفَةِ وَتَهْدِيْتِ ارْحَضَتْ اِمَامَ حَمِيْدٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 بَسْمِ صَبِيْحٍ وَبَعْدَ اِزْفَرَانِ اَزْ نَمَازِ عَصْرِ تَعْتَبُ بَخْوَانِ اِيْمَانِ وَرُحْمَتِ
 طَهْرِيْمِ اَزْمِيْ مَكْرَانِ اِيْمَانِ مَحْضُومِ طَهْرِيْمِ بَاشْ **بَعْدَ اَزْمَانِ** بَخْوَانِ اِيْمَانِ
 مَحْضُومِ عَصْرَاتِ اسْتَعْفِرُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ
 ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ فَاسْتَلْكَ اَنْ تَتُوْبَ عَلَيَّ تُوْبَةً
 عِبْدٌ ذَلِيْلٌ خَاضِعٌ خَاشِعٌ فَتَبِّرْ يَا اَيُّهَا الْمَلِكُ مَسْجِيْمِ
 لَا اِيْمَانِكَ لِنَفْسِيْهِ صَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَ
 لَا نُوْرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَتَّبِعُ مِنْ
 قَلْبٍ لَا يَتَّبِعُ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلٰوةٍ لَا تَرْفَعُ وَ
 مِنْ دُعَاةٍ لَا يَسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَللَّيْسَ بِعَدْلِ الْعَسْرِ وَ
 الْعَرَجِ بِعَدْلِ الْكُرْبِ طَلَبًا عِبَادَةَ اَللّٰهُمَّ مَا بَيْنَ اِيْمَانِيْ
 مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اسْتَعْفِرُكَ وَتَتُوْبُ اِلَيْكَ

فهم لا يخرج الى الصلوة بعد ان
 في الاذنة كالعلوم
 رجع الى الدين كلف العلوم
 التي تخرج بالدين تعود اليها
 من غير

وَسْتَعْفِرُكَ كَرُوْدَ اِيْمَانِ اسْتَعْفَارِ بَعْدَ اَزْمَانِ عَصْرِ وَدَهْ بَارِئًا
 اَنَا اَنْزَلْنَا فِي لَيْلَةِ الْعَدْرِ ارْحَضَتْ اِمَامَ حَمِيْدٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فَرَمُوْدَهُ كَسِيْ كَرُوْدَ اَزْمَانِ عَصْرِ فَتَعْتَبُ اِيْمَانِ اسْتَعْفَارِ كَرُوْدَ اِيْمَانِ
 تَعْنِيْ كَرُوْدَ اِيْمَانِ اَوْرُوحِ ارْحَضَتْ اِمَامَ مُحَمَّدٍ تَقِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُوْدَهُ كَسِيْ
 اَنَا اَنْزَلْنَا فِي لَيْلَةِ الْعَدْرِ نَحْوَ اَمْرٍ دَهْ بَارِ بَعْدَ اَزْمَانِ عَصْرِ كَرُوْدَ اِيْمَانِ
 خَوَانِ اِيْمَانِ بِرِشْلِ اَعْمَالِ فَلَاقِ اِيْمَانِ تُوْبِ اِيْمَانِ خَوَانِ اِيْمَانِ اَبْرَ اِيْمَانِ
 مَيْكَ خَلِيقِ نَاشِ اَزْمَانِ اِيْمَانِ **بَعْدَ اَزْمَانِ** وَوَسْجِدِ شَكْرِكُنْ وَ
 بَخْوَانِ اِيْمَانِ وَبَعْدَ اَزْمَانِ اِيْمَانِ اِيْمَانِ كَرُوْدَ اِيْمَانِ اِيْمَانِ اِيْمَانِ
 وَعَا اِيْمَانِ اَللّٰهُمَّ وَجِئْتِيْ وَجِئْتِيْ اَلَيْكَ وَاقْبَلْتِ بِلْعَايَتِيْ
 عَلَيْكَ رَاجِيًّا اِحَابَتِكَ طَامِعًا فِي غَفْرَتِكَ طَالِبًا مَا
 اُوْتِيْتُ بِهِ عَلَفْتِكَ مُسْتَجِرًا وَعَدَدَكَ اِذْ تَقُوْلُ اَدْعُرِيْ
 اَسْتَجِبْ لَكَ فَفَعَلْ عَلَيَّ حَسْبُكَ اَلَيْكَ وَاقْبَلْ اَلَيْكَ
 قَادِحِيْ وَاسْتَجِبْ دُعَايِيْ يَا اَللّٰهُ الْعَالَمِيْنَ
فصل بعد آنکه ساعت نهم روز از زوال تا آن مقداره که چهار
 رکعت بگذرانند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است

سنة
 اقصه

ای

و دعاء ان انت و بهر است که این دعا را بعد از رکعت
 چهارم تا فرزوال بخوانی اللهم انت الله لا اله الا هو عالم
 الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الاول والاخر
 والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم فالق الاصباح
 وجعل الليل سحبا والشمس والقمر حسابا ان ذلك بقدر
 العزيز العليم يا غائب اغمر غلوب ويا ساهدا لا يغيب
 يا قريب يا حي يا قيوم لا اله الا هو علي وقلت
 واليه انبأ انك لبيك نذل الطالبين واخضع بين يدي
 خضوع الراغبين واسئلك سوال الفقي السكين وادعو
 تقربا وخفية انك لا تحب المعتدين وادعوك خوفا و
 طمعا لان رحمتك قريب من الحسين واتوسل اليك بغيرك
 وصفتك من العالمين الذي طاب بالصدف وصلحت
 المرسلين محمد عبدك وسوالتك التذير المبين وبعوك وعبدك
 علي بن ابي طالب امير المؤمنين ويا امام محمد بن علي باقر علي
 الاولين والاخرين العالمين تعلم اللغات السبعين واسئلك

الذي
 الحى القيوم لا تخفى منه
 ولا تؤمن هو الذي لا اله الا هو

السنين واسئلك

سئل
 بتاويل الكتابين

بمكانهم عندك وادعهم امامي وبين يدي حتى يحل ان تودعني شكرا
 لما اوتيتني من نعمتك وتجعل فرجا ومخرجا من كل كرب وتيسر
 وتزفني من حيث احبب ومن حيث لا احسب وتيسر لي امر
 من ضلتك ما تهديني به عن كل طول وكثرة في ربك واجتنب
 رجلا ولا اياك انك تحب الدعاء اذا دعاك وتغيب للملوك
 اذ ناداك وانت رحيم الاحسين **و يا شمس** ان
 كم مقدار چهار ركعت نماز كنوز و از اول زوال تا نماز ظهر از
 حضرت امام جعفر صادق عليه السلام است و دعاء
 ان است اللهم انت انزلت الغيب برحمتك وعلمك الغيب
 بعشيتك ودرت الامور بحكمتك وذللت الصعاب
 برحمتك واعجزت العقول عن علم كفيك وحجبت
 الابصار عن ادراك صنعك والاولهامة من حقيقة **فان**
 واضطربت الافهام الى الاقارب ووجدت نبيك يا من رحمت
 العبرة ويقبل العزة للكارهين والقدرة لا يعزب عنك
 في الارض ولا في السماء مقال دذره انوسل اليك بالسنين

دل
 و تيسر لي من

قلمي
 مطلب

ممن سواك حتى لا ارجو

محمد رسولك العربي الذي خلقنا به من الظلمات
 الى النور وباسم المؤمنين علي بن ابي طالب عليهما السلام الذي
 شرحت بولايته الصدور وبالايمان جعفر بن محمد الصديق
 في الاخبار المؤمنين على مكنون الاسرار وصل الله عليه و
 آله بالعرفى والابكار اللهم اني استسئلك بهم واستشفع بكابهم
 لديك وقلهم اماسي وبين يدي حياجي فاعطني الصريح المحقق
 والخبر النجى والضح الغريب والامان من الفزع الى يوم
 العصيب وان تغفر لي في بقات الذنوب وتستر علي
 فاخيرات العيوب فانت الرب وانا المرئوب وانت الملتزم
 وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذي يدرك تطيرين
 الضلوب وانت الذي تقدر في الحق وانت علام العيوب
 يا اكرم الاكرمين ويا خير الصائدين ويا احكم الحاكمين
 ويا ارحم الراحمين **وساعت** مضى كرا وقت طهرت ما مقدار
 چهار كوت نماز از حضرت امام موسى قلم عه السلام است
 است اللهم انت المرجع والامتن والامر وانت المدعو والامر

الشر ومجيب الملهوف والمضطرب والي من ظلمات الجهل والخراب
 والظلم والامر والاعا له ربه اسر المظلم على غنى الشرايا والكل
 ومشتهى كل شكوي ايمان له الخلق في الاخر والاولى با من خلق السموات
 والارض والرحمن على العزيز استوي له ما في السموات وما في الارض وما
 بينهما تحت القوي وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله
 الامور له الامناء هلكت استسئلك بحياجي واليبين في حركت
 والمؤمنين على داو رسالتك وباسم المؤمنين علي بن ابي طالب
 التلم الذي جعلت ولايته مفروضه مع ولايتك ومحبته مقدره
 برضاك ومحبتك وبالايمان الكاطم موسى بن جعفر عليهما السلام الذي
 سئلك ان تغفر له ابدانك وتطلب له طاعتك فاجبت دعوتك ان
 تصل على محمد وآله صلوة تقضي بها عني واجيب مؤمنهم ورضو
 بها في داو فرضهم واسئلك اليك بهم واستشفع عنهم بهم وقد
 اماسي وبين يدي حياجي لان حياجي على علمك ومحبتي لخالقك
 واناخذ لبيبي مصري وبشري واصيدي وبهي وبهي وبهي وبهي
 ما تغني به علي هو لك فتغني عن اسباب رضاك وتغني بواله

غاية
 توي
 الامرفه
 ومام

بجمله

فَضْلِكَ وَتَسْتَجِيبُ لِمَنْ يَسْتَجِيبُكَ يَا أَحْمَدَ الرَّاحِمِينَ **وساعتهم**
كربد ارشتن مقدار چهار ركعت نماز تا وقت نماز عصر حضرت امام
و دعای آن است اللهم أنت الكاشف للملأب والكافي للمهمات والنجي
للذرات فاستأج للاصوات والنجي من الظلمات والحبيب للذوات
الراحم للعبيت جبارا للأرض والشموت راويك على أعلى العالم
يا كريم يا أكبر يا من له الأسرار الأعظم يا من علم الأسمان ما
لا يعلم إلا قاطر السموات والأرض وهو يطعم ولا يطعم أسلك بحاجته
المصطفى من الخلق المعبود بالحق وبأمر المؤمنين الذي أتته
فألقىته شاكرا فاستبته فوجدته صابرا وبالأيام التي
عليه بن موسى الرضا الذي أوفى بعهديك ووفى بوعديك و
أعز عن الدنيا وقد ألبت إليه وعبع عن الدنيا وقد
عبت فيه إن فصل على محمد وآل محمد فقد توصلت
بهم إليك وقد قد منهم أمانى وبين يدي جوارحهم تهدي
السبل ومضالك وتيسر السبب طاعتك وتوفيق
الإبغاء والرفقة بمولات أولسائك وأدراك الخطوة من

معاذات عدائك وبعديني على أداء فرضك واستعمال سنتك و
وتوفيق على المحرم الموقوت إلى العقب من عبدك والفوز بحملك
يا أحمد الراحمين **وساعتهم** كما از نماز حضرت امام است
كلمه روز حضرت امام محمد جواد عليه السلام است ودعای آن
است اللهم لا تنالوا الأوزار ومقدد الليل والنهار تعلم
ما تحب كل أنفى وما تقهر الأوامر وماتت ذاد وكل نوى عنده
بمقدار إذا تقا فمرطح عليك وإذا غلقت الأبواب فرح
باب فضلك وإذا ضاقت الحاجات فرح السعة طوالت وإذا
انقطع الأمل من الخلق اقتربك وإذا وقع اليأس من الناس فرح
الرجاء عليك أسلك حنى السبل والآب الذي أنزلت عليه الكتاب
ونصرت على الأعراب وهديتنا به إلى دار الملك وأمر المؤمنين
على نزلنا طاب الأجر الصاب والمصدق بحسن الأجراب و
بأيمانهم أفضل محمد بن عبد الله الذي سئل فقهنا إلى باب
وأنحن فصدته بالتوفيق والصلوة صل الله عليه وعلى أهل بيته
الأطهار إن تجعل مولانا فيهم عصمة من النار ونجاة إلى دار القرار

قَدَّرْتُمْ لِيهِمْ الْبَيْتَ وَقَدَّرْتُمْ لَهُمُ الْمَاءَ وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَاطِي وَأَنْ
 تَعَصِي بَيْنَ الْبَغْرِضِ كَمَا قَبْلَ سَخَطِكَ وَتَوْفِيقِي أَسْئَلُكَ بِسَبِيلِ
 حُبَّتِكَ وَمَعْرَضَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **ساعت دوم** بدار
 دو ساعت از وقت پیش آفتاب از امام علی الهادی
 است علیه السلام و در عشاء نیت **اللهم أنت**
 اللهُ الْحَمِيدُ الْعَزِيزُ الْوَدُودُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ ذَا الْعَرْشِ
 الْمَجِيدِ وَالْبَطْنِ الشَّدِيدِ فَعَالَ مَا يَبِيدُ يَا مَنْ أَفْرَبَ بَابِي
 مِنْ جِبِلِّ الْوَبِيدِ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ لَا يُغَيِّبُ
 غَفْرَانَ التَّوْبِ وَلَا يُكْبِرُ عَلَيْهِ الصَّغِيرَ عَنِ الْعُيُوبِ أَسْأَلُكَ
 بِجَدَائِكَ وَجَبِّكَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ وَبَقْدَةَ
 النَّارِ الَّذِي قَدَّرْتَ بِهَا عَلَاقَتَكَ وَحَمَّتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ
 كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ صَعَفَ كُلُّ قَوْمٍ وَيَعْرِضُ لَكَ ذُرِّيَّتُكَ
 لَهَا كُلُّ عَزِيْزٍ وَفِي سَبِيلِكَ التَّضَعُّفَ إِلَيْهَا كُلُّ كَبِيْرٍ
 بِرِسْوَالِكَ الَّذِي رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَهَدَيْتَ بِهِ السَّبِيلَ الرَّشِيْدَ
 وَيَا مَهْدِي الْمُهْتَمِّينَ عَلَى رِجْلِكَ طَائِلٌ وَقَدْ سَأَلَ بِرِسْوَالِكَ وَ

از زردی

و بیداری

مکه القم

صَدَقَ وَالَّذِي فِي يَمِينِ عَاهِدِيهِ وَصَدَقَ بِالْأَمَامِ الرَّبِّ عَلَى بِنِ
 حَيْدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي كَفَيْتَهُ حِيلَةَ الْأَعْدَاءِ وَطَبَقْتَهُمْ عَجَبِي
 الْأَيُّ وَالَّذِي تَوَسَّأَ بِهِ فِي الدُّعَاءِ أَنْ تَضَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ
 فَضَلَّ سَدَفَتْ بِهَيْمِ الْبَيْتِ وَقَدَّرْتُمْ لَهُمُ الْمَاءَ وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَاطِي وَ
 أَنْ تَحْتَلِّيَ مِنْ كَفَائَتِكَ فِي حَرِّ حَرِيْنٍ وَمِنْ كَلَامَتِكَ
 تَحْتِ عَرْشِي وَمِنْ تَوْفِيقِي سَكْرَةَ الْأَيْكِ وَمِنْ تَوْفِيقِي كَلَامَتِكَ
 يَا أَيُّدِيكَ وَتَعْمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **ساعت یازدهم**
 پیش از زردی آفتاب زردی آفتاب از حضرت امام حسن عسکری
 علیه السلام است و در عشاء نیت **اللهم أنت** الْفَرْدُ
 وَالْحَالِقُ الْأَنْزِلُ وَالْحَائِلُ وَالْحَامِلُ وَالْقَائِلُ وَالْمُبْدِي
 بِالطَّوْلِ وَالْأَمْتَانِ وَالْمُبْدِي لِلْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ وَالْمُتَمِّمُ
 لِجَمِيعِ الْخَيْرِ لَكَ الْحَمْدُ وَاللِّمَادِحُ وَمِنَّا الْعَوَائِدُ وَالْمُنَاجِي إِلَيْكَ
 نَصْعَدُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلِ الصَّالِحَ وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِمَا نَحْنُ فِي الضُّدُورِ
 وَالْمُرَاجِعِ أَسْأَلُكَ بِحَمْدِكَ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ الْكَافِرِ وَرَبِّ
 أَمْسِكَ لِلْمُعْتَبِرِ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّافِعِ وَيَا مَهْدِي الْمُهْتَمِّينَ عَلَى رِجْلِكَ طَائِلٌ

بمركب

المفترين طاعتهم على القريب والبعد المؤبد بغيرك في كل موقف
منهود قال يا محمد بن علي الذي طبع الشياخ فخلصته من
مرايتها وانبتت بالذات والضعف كذلك لهم كما ان تصلي
على محمد وآل محمد فقد تسلت بهم اليك وقد منهم ما حجج بن بدي
حطمتي وان تنحني بالتوفيق لترك معاصيك ما اقبلت
تعينني على اتسك بطاعتك ما احييتي وان تحترق لي في الليل
اذا توفيتي وتفضل علي بالياسرة اذا ما سبني وهب لي العفو
اذا كاسفتني ولا تكلمني في نفسي فاضل ولا توجعني الغم
فادل تحببني ما طاعة في به فاضعف ولا تبالي بما لا يصير
عليه فاعجز واجري على جميل عونا يدك عذبي ولا تخذلني
يسوء عيالي ولا تطل على من لا يحسن برحمتك يا ارحم الراحمين
وساعت دو ازوم از دوى اشاب تا غروب اشاب از حضرت
امام محمد مهدي صلوات الله عليه استودعنا من بيت
اللهم اخالوا شغلنا لرفع ولبها الموضع ولبنا في الما
والمطبع الذي ليس لمن دونه ولى ولا شفيع استسلك بانها

ولا تبليني
ولا

التي اوسيت على طولها العسر عادت فينا واذا دعيت على الجاد
كانت هباء منسورا واذا دعيت الى السماء فتسخت لها اللغات
واذا همطت لي ظلمات لا يعرف لها المضائق واذا دعيت
بها الموت انتشرت من الموت واذا دعيت بها العدم مات
رحمتي الى الوجود واذا ذكرت على القلوب جعلت خشوعا
فاذا دعيت الى الامع فاصت العين دموعا استسلك محمد
رسولك المؤبد بالمعجزات المبين فيكم الايات
وبامر المؤمنين علي بن ابي طالب الذي اختاره المرعا
ووصيته واصطفته لمصافاته ومصاهرته
وبصاحب الزمان المهدي الذي جمع على طاعته
الاراء المتفرقة وتعلمت بين الافواه المتخلفة وتخلص
بهمقرو اولياك وتلقمهم به من سنت اعدائك وقيل
به الارض عن الاوحيا انا وتوسع على العباد بظهورهم
فضلا وامنا انا وبه نعيد الحق الى مكانه عن بن حميد
ورجع الدين على يد بعض اصحابه ان نقل على محمد

وَتَزِيدُنِي قُوَّةً فِي التَّسْبُحِ
بِعَصْمَتِهِ وَالْإِقْدَامِ بَسْتَهْ

قَالَ مُحَمَّدٌ فَقَدْ سَنَعْتُ بِهِمُ الْبَيْتَ وَقَدْ مَنَّمْنَا
وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَتَوَقَّعْتَنِي شَكَرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ
لِعَرَفَتِهِ وَالْمَدَايِدِ الْإِطَاعَتِ وَالْكَوْنِ فِي زَمَانِهِ
لَا تَكُ يَمِيعُ الدَّعَاؤِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
باب چهارم در بیان آنچه میان فرود رفتن آفتاب و وقت نماز
نماز باید آوردن اول وقت نماز مغرب یا بقول مشهور بر طرف
شدن برخی شرق و یکسره وقت فصلیش تا بر طرف شدن
شرق مغرب و وقت ادای آن یکسره تا آنکه از نصف اول
شب مقدار که در آن نماز شام و نماز خفتن بمابند پس چون وقت
شام محقق شود در بار کعبه آنچه روایت کرده این بابویه قدس
در تفسیر بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از دعای نوح علیه السلام و آنچه روایت کرده کلبی بسند صحیح
از امام محمد باقر علیه السلام و هر دو کدشت و دعای اول
طلوع فجر بعد از آن دست بر سینه بگذارد و بکشد بر روی خود
ریش خود را بگیرد و بگوید احطت علی نعمتی و اهل قصابی و ولدی

مِنْ غَائِبٍ وَ شَهِدَ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الَّذِي لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا
نَوْمٌ لَهُ نَاوَهُ الْعِلْمِ الْعَظِيمِ وَ أَمْرٌ خَائِفٌ كَمَا سَكَى مِنْ أَرْضِ
دَعَاكَ مَنْ حَضَرَ صَادِرٌ وَ قَدْ تَرَسَّ مِنْ زَمَانِي وَ قَدْ **بَدَأَ** بِأَيِّدِي
نَمَازَ مَغْرِبٍ زِيَارَةٍ كَمَا مَطَّحُوا زِيَارَةَ آيَاتِ تَكْوِينِي وَ قَدْ مَطَّحَتْ
دُرُودَ آيَاتِ دَرِينِ سِيَارَاتِ چنانکه روایت کرده کلبی قدس
سره بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
بر کسی که چرخ بر سر او می‌چرخد یا بر سر او می‌چرخد
بر نمازی بدو وقت غیر نماز مغرب که وقت آن کسیت دو
آن سقوط آفتاب است و چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در محبس
شفت و دوم امامی از انانی اسامه که گفت شنیدم از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت کسی که نماز کند نماز مغرب را
تا آنکه پستار یا شبنگ شود زمین ظاهر شود پس من از او پرسیدم
و چنانکه روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب بسند صحیح از زینب
که گفت گفتم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام بر کسی که چرخ

از اصحاب ابی الخطاب شام میگفتند بوقتیکه که پستار ما
 مشکند شو یعنی ظاهر شود پس آنحضرت فرمود که من بری ام بعد
 از کسی که این کار کند عداوت کند **روایت** کرده هم در تهنیت صبح
 از آنحضرت که فرمود بدینستی که حیرت علی سلام الله علیه
 پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد نماز تا بس که همیشه از برای هر نمازی
 دو وقت که مغرب بدینستی که گردانید برای آن کوفت تحقیق
 دارد شده در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب طرف
 شدن شوق و عمل کرده بان جمعی از علمای ما که همیشه تا از میان
 مغرب و بر طرف شدن شوق را وقت مختار و ما بعدش وقت
 از برای مضطر و اظهار مذمت تا زین است که منصف و فاضل است
 ز وقت ادش سر حکم میشود بر آرت حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام را از کسی که تا نیکند او را تا اشتباک شمار ما کسی
 اعتقاد کند که وجهت تا آخر مغرب تا آن وقت **باید** که ترک آن
 و اقامت مغرب کند زیرا که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی قدس
 و ابن عقیل و ابن جنید قائلند بواجب بودن اذان و اقامت

نماز مغرب بلکه بعضی قائلند بلکه نماز مغرب باطل است اگر کسی
 عداوت کند اذان و اقامت کند و فاصله کن میان اذان و اقامت
 بیکه یا پستی **روایت** از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 که فرمود کسی که بنشیند میان اذان مغرب و اقامت باشد مثل کسی
 که در خون غر و عطیة ثور در آید خدا و از آنچه باید میان اذان مغرب
 و اقامت گفت این دعاست **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقِيَالِ**
لَيْلِكَ وَإِدْبَارِ نَهَارِكَ وَحُضُورِ صَلَواتِكَ وَأَصْواتِ دَعَائِكَ
وَأَسْأَلُكَ بِمَلَأَيْكَ كِنَانِكَ أَنْ تُنْقِلِي عَلَيَّ حَسْرَةَ وَالْمَلْجِدِ وَأَنْ
تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُمَّ الْعَلِيمُ وَأَنْ تَفْضَلَ عَلَيَّ بِمَا نَدَى سِرِّي
 کتب فرمودند که راست قدس سره در ذکر می فرموده که حدیث
 در آن نیافته و بگو بعد از اقامت آنچه در نماز یاد دیگر گذشت
 بعد از اذان اقیح نماز کن با و ابی که پیش گفته شد و در
 اول بعد از فاتحه سوره نصر یا تکویر یا مثل اینها در کوتاهی خوان
 و در رکعت اول سوره توحید و بعد از سلام تعقیب کن بستی
 و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام **بعد از آن** سه بار بگو آنچه در نصیبه

شیخ شریف

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده الحمد لله
 الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ بَعْدَ اِزْمٍ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
 منوب اگر خواهی که در تعقیب تطویل کنی بر من افضل نسبت که زیاد
 بر آنچه مذکور شد بعد از آن طریقی آری اگر وقت را دست آن
 و وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیه بر غیب بر آن طریقی
روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود بخوان
 بن میز که بگذارد چهار رکعت را بعد از منوب در سفر و حضر اگر چه
 طلب گشته ترا سواران و مکروه است سخن کردن میان منوب و نماز
 در روایت حفاف از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 هست بر این **روایت** کرده در نقیحه که حضرت امام جعفر صادق علیه
 السلام فرمود کسی بگذارد منوب بعد از آن تعقیب بخواند سخن
 کند تا آنکه در رکعت نماز کند آن در رکعت نماز نوشته شود در عین
 پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته شود از برای او حجی میزور ^{میگردد}
 و مشهور است که است سخن کردن میان چهار رکعت **و** لا یست
 بر که است آن روایت ابی الفوارس گفت منی که در امام جعفر

صادق

صادق علیه السلام از آنکه حرف زخم میان چهار رکعتی که بعد از
 منوب و استلال است علامه قدس سره در مستحق این روایت
 بر که است سخن گفتن میان منوب و میان این چهار رکعت و است
 کرده با شیخ شهید قدس سره در ذکر این استلال و سخن
 است آنچه در آن است و اول وقت این چهار رکعت فارغ شدن
 از منوب و آخرش بر مذکور بر طرف شدن سخن است
 و فراموش نمیرساند آن نماز عشا خواهد شروع در آنها کرده باشد
 و خواهد نه و گفته شده که گفته است و قش تا آنکه باقی ماند بعد از منوب
 و پیش از نصف شب مقدار او ای آن و میل کرده با این شششنبه
 قدس سره در ذکر این لیکن کلام علامه در مستحق دلالت میکند بر آن
 علی آمار آنکه در قش غایب شدن شوق است پس عددی است
 از مشهور و اگر در قش فوت شود باید قضا کرد مثل باقی روایها
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی مباحث میکند بر بنده که
 قضا کند نماز شب را بر او میگوید این در ششماه من نظر کند بنده

من تصامیحه خیری را که من بر او واجب کرده ام که او را میکشیم
 بر پستی که من او را از زمینم دور و قسیت از حضرت امیر مومنین
 علیه السلام در تفسیر آیه وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ یعنی
 سیکته بر نمازستی اگر فوت شود در شب تصامت که روز و اگر
 فوت شود در روز تصامت شب **باید** که رکعت اول را ابتدا
 بر هفت تکبیر باشد و عا که گذشت و بخواند در آن بعد از الحمد
 احدی بار و در رکعت دوم انا انزلناه فی لیلته القدر و اگر خوا
 در رکعت اول قل یا ایها الکافرون بخواند و در دو رکعت اول
 و اگر الحمد شما بخواند در جمع نماز شب و بعد از فراغ از دو رکعت
اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِنَا و إِنَّ إِلَهَكَ
الرُّجُوعُ وَاللَّيْلَةُ و إِنَّ لَكَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ و إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذَلَّ و نَحْزِي و نَأْتِي
تَهْمَى اللهم انی استسئلتک ان تصلى علی محمد و آل محمد و
 الجنة برحمتک و استعید بک من النار بعد نمازک و استسئلت
 من الحور العين بقرینک و ان تجعل وسع ذریعتی کسبی

کافیت نماز در باقی شبها بود
 که قرائت در آن بلند بخواند

حسن

احسن علی عندنا لعلی و اطل فی طاعتک عظمی و سائر
 ذنوبک و یطی عن ذنوبک و یزلف کذابک عمری و احسن فی جمیع
 الامور و یزلف کذابک و لا تکلف کله احد من خلقک و تقول علی
 یقضاه جمیع حاجی للذنیب و الاخرة و ابدا ابوالذی و ولدی
 و جمیع احوالی للمؤمنین فی جمیع ماساتک لیسئلی بالرحمة
فصل و بعد از فراغ از استغاثات نافله مغرب
 شروع کن در دو رکعت آخر دو رکعت اول این
 بخوان بعد از سوره الحمد سوره حسبه
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَجَّ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا لَعَلَّكُمْ لَهُ مَلِكٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَسْبِيَ
وَمَا بَيْنَهُمَا قَلْبِي هُوَ الْوَالِدُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ فَاسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ
بِهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجِعُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ إِنَّمَا كُنْتُمْ
عِنْدَ اللَّهِ بِأَبْصَارٍ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ

برحمتک

اغنيها عنى ايها مقبلى واجعل الميرة زيادة من كل
خير واجعل الموت لرحمة من كل سوء والكفى امدناى ورتبه
بما كتبت به اوليايك وجز بك من عبدك الصالحين
واصرف عني شدة ما وقعني لما يرضيك عني يا كدير
امسئيا والملك لله الواحد القهار وما في الليل ولا نهار
التهار اللهم اني وهذا الليل والنهار خلفان من
خلفك واعصم فيهما بعونك ولا ترهما جراه
مني على معاصيك ولا ركو بالجارمك واجعل علي
فيهما مقبولا وسعي مشكورا وسهلا ما اخاف
عسره واقتضيه فيه بالحسن وامني مكره ولا نهك
عني سترك ولا تسو ذكرك ولا تحل بيني وبين
حولك ولا تحسني الي نفسي طرفه غير البلاء والاحد من
خلفك يا كدير اللهم صل على محمد وال محمد
واقم قلبى لذكرك حتى اعوججك واتبع امرك ولجنته مبدى
اللهم صل على محمد واله ولا تصرف عني وجهك ولا تمنعوني

وقرأه

فضلك ولا تحرم عفوكم واجعلني والى اوليايك واعادى
اعدائك وامر قنى الرهبه منك والرحمة اليك والتسليم
لامرك والتصديق بكمايك واتباع سنة نبيك صلوات
عليه واله اللهم انى اعوذ بك من نفس لا تنفع ووطن لا
ينفع وعين لا تدفع ولا تشفع وصلوة لا يرفع وعمل لا
ينفع وعما لا يبيح ودعاء لا يسمع واعوذ بك من سوء القضاء
ودرك النقاء وثمانه الاعداء وجهد الآلاء وعمل
لا يرضى واحوذ بك من الفقر والكد والعدو
وضيق الصدر وسوء الامر ومن سبلاء ليس له يسير
صبر من الداء العضال وغلبة الرجال وخيبة المنقلب
وسوء المنظر في النفس والاهل والمال والدين والولد
وعند معاشية ملك الموت واعوذ بك من انسان سوء وعبا
سوء وقرين سوء وساعة سوء ومن شر ما يلج في الارض وما
يخرج منها وما ينزل من السماء وما يدرك فيها ومن شر طرد
الليل والنهار والاطار قاطر بحيس ومن شر كل باير وب

قلب

فضل

اخذنا صمتها ان رجلا على جمل مستقيم فميك فيكم هله
 هو النبي مع العليم الحمد لله الذي جعل في صلوة كانت على التو
 كتابا موقوتا **بعد از ان** كبر اللهم في اسئلك محمد و
 آل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل النور
 في بصري والنصير في ديني واليقين في قلبي و
 الاخلاص في عملي والتمس في نفسي والسعة
 في رزقي **قالت** كذالك ابدأ ما ايقنتني
بعد از ان وسجده سكر كن وكجور آنها و بعد از آنها انچه كند
 و اقل انچه كافيت انكه در سركت سه بار كجوى شكر و در
 روايات سجده شامى شكرش از نماز است و بعد از آنها
 ساعت غفت يك بار و در ركت اول بعد از الحمد بخوان و
 تالون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لم نقده عليه فنادى
 في الظلمات لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين
 فاستجبنا له و نجيناها من الغم وكذلك يجلى للمسير
 و در ركت دوم و غنیده مفتح الغيب لا يعلمها الا هو

دعوى

لا يعلمها الا الله و ما سقط من و رفة الا يعلمها و
 لا تحب في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب
 مبين **بعد از ان** در وقت نماز اللهم انى اسئلك عظم
 الغيب لا يعلمها الا انت ان تصلي على محمد وآل
 محمد وان تجعل لى كذا وكذا **بعد از ان** كبر اللهم
 على طيبى فليما حتى فاسئلك محمد وآل محمد عليهم السلام فاصبر الي
 و حاجت خود طلب كرنى **روایت** كه در هشتم من سالم از حضرت
 امام جعفر صادق عليه السلام كه سر كه اين دو ركت را بگذارد
 ميان شام و صحن و دعا كه باين دعا و بطلد از خداى تعلى
 حاجش را عطا كند خداى تعلى با و آنچه سوال كند به انكه مشهور است
 ناسيدن اين دو ركت بدو ركت غنيد و دو ركت غفت
 و دو ركت ساعت غفت و در جوش است كه ساعتى را كه
 دو ركت در ان بجاي آرند كه ميان شام و صحن است ميان
 ساعت غفت **روایت** كه در فضيحه حضرت امام محمد باقر عليه
 السلام فرموده كه عيسى متفرق ميان دو شكر شش را از وقت

دل
 سخ
 الغي

غایب شدن آفتاب تا غایب شدن شفق و متفرق میزند که
 روزی از وقت طلوع فجر تا طلوع آفتاب و فرموده که حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بسیار کند ذکر خدا بی
 درین دو ساعت و پناه برید بخدا بی وقت ای از شر عیب و گناه
 درین دو ساعت بدرستی که این دو ساعت ساعت عیب است
روایت کرده شیخ طوسی از امام جعفر صادق علیه السلام
 که فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که ای اعدای خدا
 در ساعت غفلت اگر چه دو رکعت خفیف باشد که آنها ساعت
 دار که امتد که بهشت باشد گفته شد و چه زیادت ساعت غفلت
 فرمود که میان مغرب و عشا و صبحی نماید که آنچه در او میان وقت
 مغرب و وقت عشا که میان غروب آفتاب و بر طرف شدن
 شفق چنانکه مرشد است بان حدیث گذشته اند ما صلواتین
در احادیث صحیحین مذکور است که اول خفتن غایب شدن شفق
 چنانکه خواهد آمد و این مهموم میشود که ارای نماز غفلت میان
 غروب و ذهاب شفق است پس چون این وقت پرون

یا رسول الله

تقصا میشود **و سنت است** در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز
 بطریق دیگر در اول بعد از الحمد میزند یا بر سره زلزالی و در دو
 بعد از الحمد میزند یا بر قبل و الله اعلم **روایت کرده** شیخ طوسی
 قدس سره از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی
 علیه و آله فرموده کسی که بگذرد این نماز او هر شب رحمت کند
 با من در شب و نداند ثواب آن از آنکه خدا بی **فصل** و اول
 وقت نماز خفتن فارغ شدنت از نماز شام بر مذبح مشهور و
 وقت قضیتش تا شب و وقت او شش تا چهار رکعت باشد
 بر نصف شب و باید که بعد از فراغ دو رکعت غفیفه آنکه مخصوص
 مغرب است پس اگر شفق باقی باشد شروع در نماز خفتن کند تا
 شفق زایل شود زیرا که مذبح شیخ مفید و شیخ طوسی قدس سره
 است که داخل نمیشود وقت عشا که بعد از غایب شدن شفق **روایت**
 کرده فقیر بنده صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که اول
 وقت نماز خفتن بر طرف شدن سرخی است و این محول است بر آنکه
 تاخیر نماز مغرب بر طرف شدن شفق پس چون شفق زایل شود

تقصا

در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز

در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز

باید که سیادت کنی با زبان و قامت با دعای نامی که پیش از آن
و بعد از آن شروع کن در نماز حقن با آنی که پیش گذشت و بخوان
در رکعت اول سوره اعلی یا سوره التمسین یا آنچه پیش اینها باشد در
در از می خواند که در **آیت** کرده در تهنید پسند صحیح و در رکعت
دوم سوره قل هو الله احد مثل باقی نماز تا بعد از آن که پس کرده
قنوت بخوان آنچه گذشت در باب اول و آنچه می آید در باب ششم
و طول ده قنوت را و تعقیب از هر یک که وقت وسیع است بخوان
هر تعقیبی که مشترک میان صبح و شام بعد از آن آنچه مخصوص است
بشاید که **اللهم بحجرت محمد وآل محمد صل على محمد وآل**
محمد ولا تقنونا منكرك ولا تشنا ذكرك ولا تكف
عنا سيرتك ولا تحزننا من فضلك ولا تغفل علينا فضلك
ولا تنزعنا من جوارك ولا تقصنا من رحمتك ولا تنزع
عنا بركاتك ولا تمنعنا عافيتك واصلى لنا ما اعطيتنا
و ذرنا من فضلك المبارك الطيب الحسن الجميل ولا تقهرنا بين
كفرك و حقك و ما بينك و ما بيننا من النور و النور

خ نماز و چه شکرست این

بناعدنا

و در

بعد از آن بخوان هر یک از فاتحه و توحید و سوره تین و ده بار
بعد از آن ده بار بگو **سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر**
پس بگو **اللهم افرح لي ابواب رحمتك فاسبح علي من حلالك**
و امسحني بالعافية ما اصبحتني في سمعي و بصري و جميع جوارحني
تا بين اني اغفر ذنبي لا اله الا انت اغفر لي و اغفر لي يا ارحم
الرحمين **بِسْمِكَ** و این دعا را طلب رزق اللهم اني اطلب
بموضع رزقي و انما اطلبه بمخاطراتي و مخاطراتك فاجعل في
طلبه البلدان و انا فيما اطالب كما تجر اهلها ادرى ابي عبد
الله في ارض حرمك امة السماء و امة ارضها و امة ارضي و امة ارضي
من و من قبل من و قد علمت ان علمه و اسما به سيدك و انت الذي
تقسم بلبطيفك **بِسْمِكَ** برحمتك فضل على محمد و آل محمد و
يا رب رزقك اطلبها و مطلبها سهلا و ما خذها قريبا و لا
بطلبها لم تقدر برفق رزقنا فانك عن عني عن عداي و انا خير
الرحمة فضل على محمد و آل محمد و جد عبدك فضل
انك ذو فضل عظيم **بِسْمِكَ** **بِسْمِ** الله الرحمن الرحيم

لی

ام

سیدک

و بید

بصوتك والجنه ونجياتهم

اللهم صل على محمد وآل محمد صلواتك تبلغنا من سخطك ولنا
اللهم صل على محمد وآل محمد وارني الحق حقا حتى أتبعه
أرني الباطل باطلا حتى أحذره ولا تجعله على امتنا بها فاتب
هوامي بغير هدي منك واجعل هادي تبعا لرضاك وطاعتك
وخذ لنفسك رضاه من نفسي واهديني لما اخلف فيه من
بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم اللهم صل على
محمد وآله واهديني فيمن هديت وما في غير عاقبت وتولي
فيمن توليت وإبارك فيما أعطيت وفي من شرمتما قضيت
إنك تقضي ولا يقضي عليك ولا يجاز عليك ثمود
اللهم هديت فللك الحمد وعظم حملك فعموت فللك
الحمد وسبطت يدك فاعطيت فللك الحمد تطاع ربنا وشكره
نعني ربنا فغفر وتترانت كما أثبت على نفسك
بالكلم والمجد والبيك وسعدك تباركت وتعاليت لا اله
ولا منج منك إلا إليك لا اله إلا أنت سبحانك اللهم محمد
علت سواك قلت نفسي فتب على أنك أنت التواب الرحيم

ما عرفت واكتفى وانك ارحم الراحمين
لا اله الا انت سبحانك اللهم
لا اله الا انت سبحانك اللهم
لا اله الا انت سبحانك اللهم
صلى الله عليه وسلم

لا اله الا انت سبحانك في كتب من الظالمين سبحانك
رب العزيم عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله
العلمين اللهم صل على محمد وآل محمد وبيني وبينك
في عافية وصحني في عافية وارزقني تمام العافية و
دوام العافية والشكر على العافية اللهم اني استودعك
الساعة نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واهل ذريتي
كل نعمه التي نعمت علي وتعم فضل محمد وآل محمد وجعلني
في كنفك وامنك وكلامك وحفظك ورجاءك
وكفائتك وسيرتك ودمتلك وجوارك وودائعك ليلين
لا تضيق ودائعه ولا يجيب سائله ولا ينفذ ما عنده في ذلك
بك في محود عداي فكل من كادني وبغى علي اللهم من
أنا كفارده ومن كادنا فكلده ومن نصب لنا عدا
فخذها يارب اخذ عني بيد مقدر اللهم صل على محمد
وال محمد وارضو عن البيئات والأقوات والفاهايات
والنقم ولذوق السقم وذوال النعم وعواقب اللقم

اللهم
ول
أردانا

وَمَا طَعِبَ الْمَاءَ لِقَضِيكَ وَمَاعَتَبَرِ بِرَبِّكَ مِنْ أَمْرِكَ وَمَا
 أَعْلَمَ وَمَا خَافَ وَمَا أَحَدَهُ وَمَا لَأَحَدِهِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ الْقَوْمَ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمِّي وَفَسِّرْ عَنِّي وَسَلِّحْ لِي
 وَالْأَمْنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي وَعَمِلْ بِهِ صَبْرِي وَقَلِّبْ فِيهِ
 حِيلِي وَصَعِّفْ هَيْبَتِي قُوَّتِي وَعَجِّزْ عَنِّي طَاقَتِي وَدِدَّتِي
 فِيهِ الضَّرُوعُ عِنْدَ انْفِطَاحِ الْمَالِ وَخَبْرَةُ الرَّجَاءِ مِنَ
 الْخُافِ مِنَ إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَفَيْتَنِي يَا
 كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِيَنَّ مِنْ شَيْءٍ الْكُفْيَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى
 لَا يَبْقَى بَيْنِي يَا كَرِيمُ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَدَفَعِي
 حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ بَيْتِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَالْوَالِدِ
 وَالْبَدْرِ اللَّهُمَّ أَنْزِلْ سَمَوَاتِكَ نَفْسِي فِي أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
 وَاسْتَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا أَلْهَمَنِي وَاسْأَلْكَ بِحَبِيبِكَ
 مِنْ خَلْفِكَ الَّذِي لَا يُؤْتِي فِي سِوَاكَ يَا كَرِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 قَضَى عَنِّي صَلَوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كَمَا بَأَسَفُوتَا
 بعد از آن دو سجده مشكركن و كبر و در سجده اول

و یا لا اله الا الله

اللَّهُمَّ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا بِكَ يَا أَحَدٌ مِنْ لَاسِيذِهِ كَرَّمَ الْعِطَاءُ
 إِلَّا قَرْمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَنْبُدُهُ كَذْرَ الْعَطَاءِ إِلَّا كَمَا وَجُو
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بَيْتِهِ
 وَأَفْضَلُ فِي كَذَا وَكَذَا **پس روی است** بر زمین کعبه
 و زمین دعا بخوان **پس روی چپ** بر زمین کعبه رو زمین
 بخوان **پس کبوتر** این از دعوات کبر برای رفع سختی است
 یا سَابِغِ النِّعَمِ يَا دَاغِ النِّعَمِ يَا بَارِي النِّعَمِ يَا عَجَلِ النِّعَمِ يَا مَعْشَرَ
 يَا كَاشِفِ الضَّرِّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجُودِ يَا كَرِيمُ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُدَبِّرَ
 كُلِّ قُوَّةٍ يَا عَجَبِي الْعَظِيمِ رَحِيمِ وَمُنْفِئِهَا عَنِ الْمَوْتِ صَلِّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَخَرَجًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
پس دو رکعت و تیره بخوان رشته و جایز است ایاده
 مشهور اول و بعضی از علمای مذکور کرده که نشستن درین دو رکعت
 افضل است از ایستادن و در تهذیب روایت کرده است صحیح
 که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که دو رکعت بعد از
 عشاء درمیکند از دانهار رشته و من میگذاردم ایستاده و عمل

یا من لا احد له غیرک
 یا احد من لا احد له احد
 سن لا احد له احد
 یا من لا یزید له کثرة
 العطاء ولا یزید له احد

بر مشهور است و همیشه وقت این آنکه وقت عشا باشد
 بعد از نصف شب قصاصت **دست** است که در اول این دور گفت
 هفت کبیر کبیری باشد و هفتی مذکور و بخوانی در رکعت اول سوره
 ملک و واقعه و در دوم سوره توحید و بعد از فراغ بخوان هر
 خواهی **باب عیسی** در بیان آنچه میان وقت خواب تا
 شب بیدار آورد چون خواهی بخوانی اول طهارت ساز و است
 کرده در نیت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
 کسی که طهارت سازد و بخوابد در فرخاش خود و فرخاش چون
 باشد و عملی اقدس شمرم ذکر کرده اند که با قدرت بر آب تمیم
 جایز است برای خوابیدن **دست** در وقت خواب خواندن
 سوره توحید و حمد چنانکه روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح
 از ابی اسامی گفت شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 می گفت کسی که بخواند قل هو الله احد بار در محلی که بر خوابگاه میرود
 آرزیده شود که آنجا هفت سال گذشتنش **دست** که در کافی
 از آنحضرت که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که

بخواند ایکم التکاثر از خود خوا سپدن نگاه داشته شود از نشسته
دست که چون بپوشد زمین می بخوانی این دعا را که روایت کرده در
 بسند صحیح از محمد بن مسلم که گفت من گفت حضرت امام محمد باقر علیه
 السلام که هرگاه مرد جانب است او سازد که از او پس بایه که گوید
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یٰ اَلِیُّکَ وَ وَجْهَکَ وَ جِوَارِکَ وَ قُوَّةَکَ
 اَنْ تَجْعَلَ لِیْکَ وَ لِوَالِدِیْکَ طَهْرًا یٰ اَلِیُّکَ وَ تُوکَّلْتُ عَلَیْکَ هَبْ لَیَّکَ عِزًّا
 اَلِیُّکَ اَلْمُتَخَابِرِ اَلْمَلِیُّکَ اَلِیُّکَ اَلْمُنْتَبِیْکَ اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْ
 وَ رَسُوْلَکَ الَّذِیْ اَنْسَلْتَ بِنِیْسَیْنِ بِنِیْسَیْنِ
 علیها السلام نیت آخر حدیث **دست** است تسبیح فاطمه
 زهرا علیها السلام در دو جا بعد از نماز و وقت خواب و ظاهر
 که دست در دو مقام تقاضا میکند تقدیم سبحان الله و الحمد لله
 روایتی صحیح که مطلق است تقاضا میکند تا خیرش را از الحمد و باکی نیت
 میط کلام درین مقام اگر چه خارج است از حد کتاب اختلاف کرده
 علمای درین با اتفاق در ابتدا بیکدیگر زیرا که صحیح محمد بن سنان از
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صحیح است در ابتدا بیکدیگر

وَبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْکَ یٰ اَبَا

معمول در تعقیبات تقدیم است بر تسبیح **درین** المحدثین و پدرش
و این خید قائمه تا خیرش از تسبیح و روایات از ائمه هر یک
علیه السلام خالی از اختلاف نیست روایت معتبره که ظاهرش
تقدیم تحمید است اطلاقش شامل است آنچه بعد از نماز باشد
و آنچه وقت خواب و آن است که **روایت** کرده شیخ طوسی
قدس سره در کتاب تهذیب بسند صحیح از محمد بن غزالی که گفت در
ششم ما پدرم بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید
که پدرم از آنحضرت بر تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام پرسید
فرمود الله اکبر تا ششمی و چهار بار پرسید گفت الحمد لله تا رسید به
هفت پس گفت سبحان الله تا رسید به صد شمرده آنحضرت
انما اریه پیش هر ایک جمله و روایتی که ظاهرش تقدیم
بر تحمید مخصوص است با آنچه در وقت خواب است و آن است که
روایت کرده رئیس المحدثین در فیه که حضرت امیر المومنین علیه
السلام گفت بمردی از بنی سواد یا حدیث که نمیشناختمن و این فاطمه زهرا
بود فاطمه پس چندان یک شید بگفت که اگر کرد در سینه اش

نشان آن در سینه ایشان ماند و چندان آرد که دست اس
تا آنکه آید که دستهاش چندان خاز جادوب کرد که زخمهاش
غبار آلود شد و چند آتش که در زیر دیک که چو کین شد زخمهاش
پس رسید ایوا ازین ضرری سخت پس گفت با و اگر بروی پیش بر
و سوال کنی از خود سخاری که کفایت کند ترا سختی و شدت آنچه
تو درانی از عمل من آنحضرت آمد پیش پیغمبر صلی الله علیه و اله
پس یافت پیش آنحضرت جو انما از اس حیاء کرد و برگشت پیش
پیغمبر صلی الله علیه و اله دست که حضرت فاطمه علیها السلام بر
حاشی آمده پس صبح پیش آمد و مادر محاف بودیم **پس گفت**
اسلام علیکم پس ما کت شدیم و شرم کردیم چون در محاف بودیم
پس دیگر گفت اسلام علیکم پس ما کت شدیم و شرم کردیم در
خود پس گفت اسلام علیکم پس ترسیدیم اگر در سلام کنیم برگردد
و عادت آنحضرت آن بود که سه بار سلام میکرد اگر از آن میداد
و الا بر کت پس گفت علیکم اسلام یا رسول الله داخل شو پس
آنحضرت داخل شد و نشست پیش سر ما و گفت ای فاطمه چه بود

نشان

عاجت تو نزد محمد پس رسیدیم اگر بواجب گویم بر خرد پس بیرون
آردم سرمه این کتبی من خردم یا رسول الله بر پستی که فاطمه
یک شیشه بچک تا نشان آن بسینه اش مانده و دست آس کرد
تا دستهایش را بگرداند و خانه جاروب کرده تا آنکه زخمهایش عیار
و خاک آلود شده پس گفت من باو که اگر پانی پیش من برت
پس سوال کنی از خود می گویم که گفایت که ترا سخنی آنچه تو در این
ازین کار پس حضرت پیوسته علی و آل فرمود ایما پس تعظیم
بکنم شما را چیزی که تهنیت برای شما از خادم هرگاه بخواند
خودش یک کبر گوید سی و چهار کتبی و تسبیح کتبی سی و سه کتبی
گوید سی و سه پس بیرون آورد فاطمه علیها السلام سرش را گفت
راضی شدم از خدا و رسولش و محلی نماز که این روایت صریح است در
تسبیح و تحمید زیرا که او افاده رقیب میکند و از برای بطق
بر اصرار چنانکه در اصول سنن است علی ظاهر تعظیم لفظی تعاضای
میکند و همچنین روایت که ششم صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح
زیرا که لفظ تم در اینجا کلام را و است پس باقی بجای که در تقدیم

و اندک

لفظی است میان این دو روایت بحسب تهنیت است پس حمل باید کرد
و دوم را بر اول تحمید صحیح بود پس ابتدا اول قوه یا فخر آن بعضی روایات
ضعیف چنانکه در **روایت** کرده ابی بصیر که حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام گفت در میان تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام ابتدا تسبیح یکبار سی و
چهار بار بعد از آن تحمید سی و سه بار و این روایت صریح است
از تقدیم الحمد پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صحیح است پس
حمل باید کرد روایت دیگر خلاف ظاهر لفظ است اما تفاوت میان
روایات بر طرف شود اگر کسی گوید که محکمت عمل بظاهر هر دو روایت
با کمال کنیم روایت اول را آنچه بعد از نماز است و دوم را آنچه
وقت خواب است اصح نیست بگو و این روایت دوم از ظاهر
پس وجه عدول ازین جهت گوئیم برای آنکه قابل تفریق میان این دو
حال نیستیم بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تسبیح نام است که بر یک
از فریقین که قایلند به تقدیم تحمید و تا آخرش قایلند بان مطلقا
خواه بعد از نماز و خواه وقت باشد پس قابل شدن تفصیل مذکور
احداث قول ثالث و در محال اجماع مرکب آلا آنچه گفته میشود

بعد از آن تسبیح هر دو بار

لفظی

که احداث قول ثالث وقتی تمتعت که لازم آید از ان بر طرف
آنچه است بر ان اجماع کرده اند چنانکه مذکور است در بکری که وطنی
کرده باشد بسبب حبسی ایجاب یعنی بی ارشش زیر اجماع علی
کرده اند بر عدش مخالف آنچه باعث رفع ما اجماع علیه الا
باشد مثل قایل شدن نفع نخاح بسبب بعضی از عیبهای بچکا زدودن
بعضی دیگر زیرا که هر یک از فرضین موافقت در یک قسم چنانکه
در سنج است زیرا که مانعی از ان نیست مثل قول بصیرت غایت
قتل پسندی بعد از آنکه یکی از دو فرضین قایلند قول ثانی و فرضین
اول و جمعی دیگر بکسبش پس جواب است که این تفصیل است
بر مذمت پستیان علیهم السلام اما بر مذمت ما که قایلیم با کمال محبت
بودن اجماع نسبت است که کاشفت از داخل بودن معصوم
درست نیست زیرا که مخالفت در صورت مذکور حاصل است اگر
موافق باشد قایل با هر یک از فرضین و همچنین در بیع و نقل **فصل**
و باید که خوانید آن تو بر جانب است باشد زیرا که این خواص نیست
چنانکه روایت کرده کهنی در کافی سند صحیح از احمد بن محمد

که گفتند با بی محمد یعنی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نه ای
تو که در من غنا کم بسبب خزی که مرا اجبار بر سپرد و تحقیق که
اراد که در کم رسوا کنم از پدر تو علیه السلام از ان پس شد مرا
ان پس آنحضرت فرمود که چنانچه است ای احمد پس من که گفتم در
روایت کرده **باب** از پدران تو عیلم اسلام که درستی که خوان
مغیران بر غایت و خواب مؤمنین بر جانب راستان و خواب
مناقصین بر جانب چپ و خواب شیاطین بر روی ایشان پس
آنحضرت فرمود علی انجمن است آن پس گفتند یابیدی پس من
جبه میگویم که بر جانب راست بخوابم پس در امکان میشود و خوابم
بر جانب راست پس ما عقی ساکت شد و گفت ای احمد در دیک
شوم پس من در دیک شدم پس گفت دست را داخل ما
در زیر رختما پس من داخل ساختم پس آنحضرت پروان آورد
دستش را از زیر رختماش پس کشید دستش را بر جانب
چپ من و دست پیش را بر جانب راست من سه بار پس گفت
که دیگر شو ایتم که بخوابم بر جانب چپ اولن زمان که حضرت خوان

لَكَ فَتَدْرُوكَ الْحَمْدَ لِلَّهِ

کرد بمن و هرگز خواب نمی آید بر جانب چپ و از علامتی که
 نه و هیلو بر زمین نهادن باید خواند نیت که روایت کرده کلینی
 در کافی بطریق صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
 کسی که بگوید در وقت خواب **الحمد لله الذی جعل**
والحمد لله الذی یطین نیت نماز **والذی یحیی الموتی**
الاخیرا وهو علی کل شیء قدير هر چه در روز از این
 چون روزی که ما در اوراز اید باشد **روایت** کرده در کتاب کور
 که پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود کسی که بخواند این نیت در وقت خواب
قل انما انا بشر و انما هی اقل الی الله و احد فمن
کان یرحی القاء دینه فلیعل عراضا و لا ینزل بیعاده و
 در خنده و هوید استود برای او ز نماز مسجد الحرام در میان فرشتهها
 باشد که استغفار کند برای او و هم در **کتاب** مذکور است که حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام فرمود هیچ نیت که بخواند آخر
 در وقت که بخوابد که بگوید در آن ساعتی که خواهد که مصیبت
 کتاب او امانت طلبد میفرماید که این را از اعدای رحمت و محبت که

در آن نیت و مرد با خرافه کلفت همین آیه است که پیش ازین مذکور
 شد و اگر از عقب و امثال آن ترسی پس گویند آنچه در کتاب مذکور
روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی که بخواند
 پس من ضامنم که زنده باو عمری و نه کند تا صبح کند **اعوذ بیکلمه**
الله العاتیه التي لا یجاب و ینزع بها فاجر من تحت سماواته و
تحت ما بواله و ینزل به کل آیه هو خیر من نیا صلیا ان ت
صلی صلیتیم و روایت کرده در کتاب مذکور برای دفع جهل
 که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه از خواب
 ترسی بگو در فرشت **اللهم انی اعوذ بک من الامل و من**
الغف و من الغف **روایت** کرده در کتاب مذکور برای این بود
 از فرود آمدن خانه که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود بگوید
 هیچ کس هرگاه خواهد که بخواند **اللهم عیبک المثلوث و لا یرض**
ان تنزله و لیکن ذالت ان مسکما من احد من عبده اینه
کان حلیمیا عفورا پس خانه بر سرش فرود آید یعنی چون
 این کسی بگوید خانه بر سر او فرود نیاید **و هم در کتاب** مذکور روایت

وَلِنَايِهِمْ
 مِنْ اَنْ يَّتْلِعَ فِي الشَّيْطَانِ
 فِي الْقَيْظَةِ وَالنَّامِ

در آن

بائید

کرده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ترکه در آمدی ترا خرد
 کسب الله اجر و با همک آموخت و چون پیدار شدی کسب
 الحمد لله الذي حيا في بعد ما ماتني واليه النشور
 و هم در آن روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه
 السلام فرمود هرگاه شب نوی او از خود پس گوئی سبح
 قدوس رب الملایکه و الروح سبقت رحمتك غضبك
 لا اله الا انت سبحانك و بحمدك عملت سوا و ظلمت
 نفسي فغفر لي انزل لا يغفر الذنوب الا انت و باید که در وقت
 سر بکشد **و روایت** شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی
 که سر بر سنگ سپاست در چشم هرگاه اراده میکرد که در فرات
 خواب رود در وقت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 فرمود کسی که برسد او را صغی در چشمش میاید که بکشد در چشم هفت
 میل در محل خواب از سر بر سنگ سپاست چهار در چشم است و سه
 چشم چپ و هم از آن حضرت است که سر بر کشیدن در وقت خواب
 امان است از آبی که در چشم نازل شود **و هم از آن حضرت** که زودتر

و نظرت على سهولة الخرج و ادلتى برافك علمت المنهج و انقضى
 بقدر ذلك على الطريق لا عوج و خلاصتى من سخن الكذب يا نالك
 و اطلق اسرى برحمتك و جد على باحسانك و اطلقى عنزة
 و فرج كربى و انرح عبيدك فلا تحب دعوى فاشد و لا فائدة
 اذرى و فرجى باظهري و اصلى بها امرى و اذمنى بي و حشرى و فرجى
 ندى انك جواد كده بود و فرجى و جبرم **عبد از سر دور**
نار شب این دعا بخوان اللهم انى اسئلك و اسئلك
 منك انت موضع مسئلة السائلين و منتهى نعمة الالغين
 اذعوك و لم يدع منك و انعب اليك و لم ينعاب اليك
 انت محجب دعوة المضطرين و انرح الراحمين اسئلك افضل
 المسائل و اعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم و يا ممالك
 و انشالك العلى و عمالك الى لا تحصى و يا كده و اسمائك
 و احبها اليك و اقربها منك و سيلة و اسر فاعيدك منزلة
 و اجر لها لذيك ثوابا و اسرعها فى الامور و اجابها و يا ممالك
 الاكبر لا اعجز الاجل الا كره الذى شئت و تهواه و تنصير

و طالع تو ضوابطك

و اكل يا غريم

و عابد از هر دو وقت

الحسوة

الاعظم

عَنْ رِغَالٍ وَبِكُلِّ شَيْءٍ فِي الْقَدِيمَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ
 بِكُلِّ لَيْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَلَّةٌ عَشْرًا وَمَلَائِكَتُكَ وَبَنِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ
 وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تَقْبَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ
 فِيَّ فَحْشَ فَيْحٍ وَبَيْنَ بَيْنِكَ وَأَبْنِ بَيْنِكَ وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ أَعْدَائِهِ أَنْ
 تَجْعَلَ خَيْرَ كُفْرًا وَكُذًّا مَطْبُوحًا وَذَكَرْتُكَ **بِسَبِّحِ**
 فِي طَرَفِ زَهْرٍ عَلَيْهَا سَلَامٌ كَمَا وَرَدَ عَالِي كَرُوَاهِي خُورَانِ
 بِسُورَةِ سَجْدَةٍ مُشْكِرِينَ وَكَرُوَاهِي دَرِي كِي اَزَانِ وَدُوسَجْدَةٍ
 اِيْنَ دَعَايِ اِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَا سَجْدَانِ
 اَلْحَيِّ وَخَيْرِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوَاقِي مَنْذُوبَةً فَطَرْتَنِي
 مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ عَبْدُكَ دَوَامَ سَلْوَةٍ دُبُورِي بِتَيْبَتِكَ بِكُلِّ سَعَةٍ
 فِي كُلِّ طَرَفٍ مَعِينٍ سَمِعْتُكَ اَلْمَدِينَةَ اَلْخَالِدِيْنَ وَتَكَرَّرْتُمْ اَتَجَمِعْتُمْ
 لَكُمْتُ مَقْصُرًا فِي بَلُوغِ اَدَاءِ شُكْرِ اِحْفَافِي عَمْرٍو تَجْعَلْ عَلَيَّ وَوَلَوْ
 اَنْ كَرِهْتَ مَعَادِنَ حَيْدِي اَلدُّنْيَا بِاَيْتَانِ وَخَرْنَتْ رَضَاهَا بِاِسْفَارِ
 عَيْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ اَسْئَلُ عَوْدَ اَلْقُرْبَانِ وَالْاَرَضِيْنَ دَمَا وَصِيْدِ
 تَكَانَ ذَلِكَ قَلِيْلًا مَا هَبْتَ مِنْ خَلْفِكَ عَلَيَّ وَلَعَلَّكَ اَلْهَيْدِيْنَ بَعْدَ

في كثير

بَعْدَ اَلْخَالِدِيْنَ اَتَجَمِعْتُمْ وَعَظَمَتِكَ اَللَّهُ اَخْلَقَ بِي حَسْبِي وَمَلَائِكَتِكَ
 جَهَنَّمَ مَعِي لِي لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مَعْدَبٌ عَمْرٍو وَلَا يَكُونَ لِي حَطْمٌ حَطْبِي
 تَكَانَ ذَلِكَ بَعْدَ لَكَ عَلَيَّ قَلِيْلًا فِي كَثِيْرَةٍ اَسْتَجِيْبُهُ مِنْ عَزَمَتِكَ
وَيُحْيِي مَتَّ كَتْمَةً نَارِيْبَ رَا كَبْدَارِيْ بَعْدَ اَزْكَرْتُمْ اِيْنَ دَعَايِ
 يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ دَهْمًا رَاصِلًا عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي وَبَلِّغْنِي
 عَلَيَّ دِيْنِكَ وَبَيْنِكَ وَلَا تَنْزِعْ فَلْيَبْعِدْ اَزْ هَدْيِيْ هَدْيِيْ مِنَ الدُّنْيَا
 اَلَّذِيْ تَنْتَ اَلْوَقَابِ **بِسُجُودِ** اَللَّهِ اَتَتْ اَلْحَقِيْقَةَ اَلْعَظِيْمَةَ اَلْعَظِيْمَةَ
 اَلْوَارِثَةَ اَلْحَقِيْقَةَ لِمَتِيْ اَلْمَدِيْنَةَ اَلْمَدِيْنَةَ لَكَ اَلْكَرْمَةَ وَكَانَ اَلْحُجُوْدُ وَكَانَ اَلْمَرْوُ
 لَكَ اَلْاَمْرُ مُحَمَّدًا كَلَامَتِكَ لَكَ اَلْبَاخِلَ اَلْوَارِثَةَ اَلْبَاخِلَ اَلْبَاخِلَ اَلْبَاخِلَ اَلْبَاخِلَ اَلْبَاخِلَ
 يَا رَجِيْعَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَقْبَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَوَلَوْ اَنْ تَقْبَلَ عَلَيَّ مِنْ بَيْنِكَ
 وَتَقْبَلَ عَلَيَّ لِيْكَ وَوَجَّهْتَنِيْ مِنَ اَلنَّارِ وَاشْفِيْ بِيْكَ **بِسُجُودِ** اِيْنَ دَعَايِ
 كَرَضْتُمْ اِمْرًا مَوْسِمِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ اَزْكَرْتُمْ اِيْنَ دَعَايِ
 اَللَّهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَلْحَقِيْقَةَ مِنْ عَادَتِكَ وَجَاهِدَ اِلَى عَزَمَتِكَ وَاسْتَقْبَلْتَنِيْ
 وَاعْتَصَمْتُمْ بِحَبْلِكَ وَتَيَسَّرَ اَلْاَلْبَابُ يَا حَزَنِيْلَ اَلْعَطَا يَا اَمْرًا اَلْمَطْلُوقِ اَلْمَسَاوِيْمِ
 سَمِّيْتُهُ مِنْ حُجُوْدِهِ وَهَمَّا بِالْاَدْعَايِ رَا عِبَادًا وَدَاهِيَا وَخَوْفًا وَجَعَلْتُمَا

دعوت

دعوت بعد از ذکر کتبه ششم

فَالْحَامَا وَتَضَرَعًا وَتَمَلُّعًا وَقَاعِدًا وَقَائِمًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا وَرُكْبًا
 وَمَأْسِيًا وَنَدَاهِبًا وَجَانِبًا وَفِي كُلِّ الْمَالِكِي اسْتَلْكَ أَنْ تَقْلِبَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ فَإِنْ تَفَعَّلَ فِي كَذَا وَكَذَا
 اجابت خود در کن بس دو سجده بشکون و بخوان در آنها آنچه
 ازین پیش نه گور شد **فصل** پس چون از تفتیش رکعت نماز
 فارغ شوی متوجه شو به رکعت شمع و یک رکعت و ترو افضل و قضا
 از صبح کا ذلت تا صبح صادق بدانکه مشهور میان متأخرین فقهاست
 که در رکعت پنجم است اما شایع و معارف در احادیث **لا یقوی**
علیه السلام است که در هر سه رکعت که در رکعت ششم حل
 و تراست **و روایت** کرده شمع طوسی قدس سره در تفسیر
 صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امام
 علیه السلام در هر سه رکعت نماز و ترو قیل موافقاً حدیثی آمده است
 او روایت کرده پس بدو وقت از آن حضرت که گفته حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله میگرداند هشت رکعت نافله زوال و چهار رکعت
 اول یعنی ظهر و هشت رکعت بعد از آن یعنی نافله عصر و چهار رکعت

و بجای کلمات کما حاجت
 خود ذکر کند ۱۳۴

انته

عصر و سه رکعت مغرب چهار رکعت عشا، آخر و هشت رکعت
 نماز شب و سه رکعت و ترو دو رکعت فجر و نماز خدات یعنی
 صبح دو رکعت تا آخر حدیث **و روایت** کرده زمین الحمد می رسد صحیح
 از جعفر بن سالم الخناط گفته شنیدم ام از حضرت امام جعفر
 علیه السلام که میگفت باکی نیت الیکم بگذارد شخصی دو رکعت و ترو
 پس برود و حاجت خود را بر آرد بعد از آن برکورد و بحیث آرد یک
 و احادیث درین بسیار کم است اما در عبارات متأخرین فقها
 شایع است و اما متقدمین فقها اکثر رکعت پنجم را مفروضه و ترو
 و ترمیکویند و از اینها طایفه بر شد که اگر کسی نذر کند نماز و ترو
 موظف را بر بی الذمه نمینماید مگر آنکه در دو رکعت را بجا آورد آنچه
 طبری قدس سره در کتاب مجمع البیان فرموده که فاجزای صحیح
 مشائی میگویند برای آنکه دو بار خوانده میشود و در هر نماز فرضی و
 و حی است فالی از قصور و اعراض چهار ترو ترو وارد نیست
فصل و در هر دو رکعت شمع بعد از الحمد سوره قل موافقاً
 بخوان و اگر خواستی در رکعت اول قل اعوذ برب الفلق و در رکعت

چهار رکعت نماز مغرب

دوم قل اعوذ برب الناس **بسم** الله الرحمن الرحيم
 اللهم تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وعقد لك القاصدون
 وأمل فضلك ومعرفتك الطالبن ولك في هذا الليل نجات
 وسجوات عطايا ومواهب يمن بها على من تشاء من عبادك
 وتمنع من لم يسبق له العناية منك وما أنا ذاعبدك الفقير
 إليك المومل فضلك ومعرفتك فان كنت يا مولاي فضلت
 في هذه الليلة على احد من فضلك وعدت عليه يا مولاي من عطفك
 فضل على محمد وآله الطيبين الطاهرين الفاضلين وجد على
 بطولك ومعرفتك يا رب العالمين وصلى الله على محمد وآله النبيين
 وآله الطاهرين الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا لان
 الله حميد مجيد اللهم اني ادعوك كما امرت فاصبر على عذابي واغفر لي
 يا خير برابي مفرد وتر وبعد از ميت مرگه مگو وبعد از
 نجوان اللهم انت الملك الحق الذي لا اله الا انت جعلت سواك
 نفسا غفرا في دنوئها لا لغفر الذنوب الا انت **الان شاء الله**

تخلقات

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني ادعوك كما امرت
 فاصبر على عذابي واغفر لي
 يا خير برابي مفرد وتر
 وبعد از ميت مرگه مگو
 وبعد از نجوان اللهم انت
 الملك الحق الذي لا اله الا
 انت جعلت سواك نفسا
 غفرا في دنوئها لا لغفر
 الذنوب الا انت

الحمد قل هو الله قل اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الصق
 بعد از ان بسمه بار و قوت نجوان كرهه ان بن عا اكرهه
 بنه صحيح روايت كرهه معروف بن جريوه كرهه امام محمد باقر عليه السلام
 يا امام جعفر صادق عليه السلام فرموده مگو در قوت و تر لا اله
 الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان
 الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع وما بينهما وما
 بينهن و رب العرش العظيم اللهم انت الله فود التمول
 و الارض و انت الله السموات و الارض و انت الله عباد السموات
 و الارض و انت الله فوام السموات و الارض جميع المستحقين
 و انت الله للفرج عن المكروبين و انت المخرج عن المعزومين
 و انت الله محجب دعوة المضطربين و انت الله اله العالمين
 و انت الله الرحمن الرحيم و انت الله كاشف الهمم و انت الله
 بك بك تنزل كل حاجة يا الله ليرين دعصبتك الا حملك
 ولا تخي من عقابك الا حملك ولا تخي منك الا التصرع اليك
 فرب من لذلك يا لحي رحمة تعينني بها عن جميع من سواك

و انت الله فود التمول
 و الارض
 و انت الله
 و انت الله عباد السموات
 و الارض
 و انت الله فوام السموات
 و الارض جميع المستحقين
 و انت الله للفرج عن المكروبين
 و انت المخرج عن المعزومين
 و انت الله محجب دعوة المضطربين
 و انت الله اله العالمين
 و انت الله الرحمن الرحيم
 و انت الله كاشف الهمم
 و انت الله بك بك تنزل كل
 حاجة يا الله ليرين
 دعصبتك الا حملك
 ولا تخي من عقابك
 الا حملك ولا تخي
 منك الا التصرع اليك
 فرب من لذلك
 يا لحي رحمة
 تعينني بها عن
 جميع من سواك

بِالْفَدْرِ وَالَّتِي بِهَا أَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي السَّالَةِ بِهَا تَنْتَهَيْتَ
 الْعِبَادَ لَا تَهْلِكُنِي غَمًا حَتَّى تَعْرِفَ لِي وَتَعْرِفَ لِي الْإِسْتِجَابَةَ
 فِي دُعَائِي وَأَنْدِقِي الْعَاقِبَةَ لِي إِلَى سَمْعِي أَجَلِي وَأَقْلَبِي عَنِّي
 وَلَا تَشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُكْفِرْهُ مِنْ رَقَبَتِي اللَّهُمَّ
 إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ
 ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
 يُحْيِيكَ بِي ^{بِي} أَوْ يُعْرِضُكَ لِي فِي نَفْسِي مِنْ أَمْرِي
 وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ لَيْسَ مَلِكُكَ ظَلَمٌ وَلَا وَهْنٌ مَلِكُكَ
 مَحَلَةٌ وَأَنْمَا يُجِبِلُ مِنَ خُفَاةِ الْقُوَّةِ وَأَنْمَا يُخَيِّجُ إِلَى
 الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ عَنِ ذَلِكَ يَا فَخْرَ
 فَلَا يُعْلِي لِي لِبَلَدٍ غَرَضًا وَلَا لِقَمِكَ نَصَبًا وَهَلِي
 وَنَفْسِي وَأَقْلَبِي عَنِّي وَلَا تُبْعِثْنِي سِوَاكَ عَلَى بَرٍّ
 بِلَدٍّ فَتُدْرِي ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي اسْتَعِيدُ
 بِكَ اللَّيْلَةَ فَاعْدِي وَأَسْتَجِيرُكَ مِنَ النَّوْءِ فَاجْرِي
 وَأَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تُخْذِمْنِي

روى
عنه

بعد از آن مرد دعا کرد خواهی بکن و دعا در بار کبیر استغفار است و توبه
 انجام دادست تمام شد **سنت** است که دعا کنی برای چهل نوبت یا چهل
 خن کبیر اللهم اغفر لعفان و فلان تا چهل نوبت و دعا در بار استغفار
 شکر بدست است دست چپ را بردار تا آسمان چنانکه **روایت**
 کرده در قصه سینه صحیح و اگر صد بار استغفار کنی افضل است **بعد از آن**
 بعد از آن دعا کرد ببارک استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
 اللهم اغفر لي جميع ظلمي و جرمي و اسرني و عني و اوتوب اليه
بعد از آن کبیر رَبِّ اسْأَلْكَ وَظَلَمْتَ نَفْسِي وَبُئِسَ مَا صَنَعْتُ
 وَهَدَيْتَنِي يَا رَبِّ جَزَاءَ مَا كَسَبْتُ وَهَذِهِ رَقَبَتِي خَائِفَةٌ
 لِمَا آتَيْتَنِي بِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ فَقَدْ لَفِيفْتُكَ بِهَا الرَّضَا حَتَّى لَكَ الْعَبْدُ الْعَبْرُ
بعد از آن سید بار کبیر العفو العفو بعد از آن کبیر رَبِّ اغْفِرْ لِي
 وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ **سنت**
 تطویل در قوت و ترس از خدا کن توفی که در قوت است که
 نماز شب مذکور شد و اگر وقت وسعت داشته باشد اضافه
 کن این دعا را که رئیس محمدین روایت کرده در کتاب سید ابی

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام سحرانده در قوت
 سیدی هدی قدمد دستها الیک بالذنوب ملووه و عنایت
 یار تجاء مدوده و حوین دعاک بالندیم ندلا انجیه
 یا لکر بفضل سیدی من اهل الشفاء خلقتی فأطیل بکای
 ام اهل السعادة خلقتی فأبشر بجاء سیدی الی ضرب المقام
 خلقت اعصابی و لیس فی جسم خلقت معاذ سیدی لوان
 عبدا استطاع الهرب من مولاه لکن اول الهاربین منک
 لکنی اعلم انی لا افونک سیدی لوان عذابی مما ینید فی ملک
 کانتک الصبر علیة غیر لقی اعلم انه لا ینید فی ملک طاعة
 المطيعین ولا ینقض من معصیه العاصین سیدی ما انا
 و اخطری هب الی فضلک و جلی سیرک و عطف عن تو بچی
 بکره و جهک الی سیدی ارحمی مصر و عا علی الفرائس لینی
 ایدی لینی و ارحمی مطر و عا علی المغسل یقبل فی صلیح
 و ارحمی حمولاً قد ناول الاقرباء اطراف جدارنی و اذمر
 لذلک البیت المظلم و حینی و عزی و وحدتی و اکر وقت

تک با شد قوت خست رکنه و این قوت را بخواند
 اللهم ان کرم الذنوب تکفیل بدی عن انسا طها الیک الی الیک
 و اللذامه علی العاصم معن عن الضرع و الا بهال و الراجاء
 یعتا علی سواک یا ذا الجلال فان لم یعط علی سیدی علی عبده فموت
 ینبغی السؤال فلا تداکفنا للضرع الیک لا یبلغ الامال
 و صلی الله علی شرف الانبیاء و طاهر سلیم محمد و آله الطاهرین
 و بعد از آن کوع کن و چون سر از کوع برداری این دعا بخوان
 هذا مقام من حسنا نه نعم منک و سنیانه بعمله و ذنبه عظیم
 و سکن قلب الی مطر و امال قد حابت الیک و معاف
 اللهم قد قطعت الایامک و ماله الی العقول قد تم الیک
 و الیک الرجاء و الیک الملجاء یا اکره مقصود یا اکره مستور
 هرب الیک بقی با صبح الهاربین یا نقال الذنوب احمها
 علی طهری و عا الیک سوی معرفتک الیک اقرب من رجاء
 الظالمون و محبات الیه المضطرون و امل الید الی العین
 یا من حق العقول بعرفته و اطلق الالسن بحمده و جعله

شایع

تک

به عليا ده كفاءه لستاد بترحق صل على محمد وآله ولا تجعل لهم
على عيني سبيلا ولا لباطل علي دليلا رحمك يا ارحم الراحمين
وفازار تمام كن وعبده اسلام تسبح فاطمه زهرا عليها السلام
كبو **و عبده ازان** دعوى حسين بن ابي طالب
انا جيك يا موجود في كل مكان لعلك لتسمع نداي فقد عظم
وقل جاني مولاي مولاي اى الاله لايتها الشئ ولو لم يكن الا
الموت لكان كيف وما بعد الموت اعظم وادهي مولاي مولاي
حتى سمى والى عني اقول لك العبي من عبد اخري فولا في عبادي
صدقا ولا وفاء فيا عونا له نزل وعونا له بك يا الله من هو يقد
علي من عدو وقد استكلم علي ومن نيا قد تربيت لي ومن
اتارده بالسنه الامام حربي مولاي مولاي ان كنت رحمت
ميلي فارحمي وان كنت قنيت مني فاقبلي يا قابل العجز اقلبي
يا من اذل تعرف منه الحسني يا من يعيدني بالنعيم صباحا و
مساء ارحمني بوجهك فردا اشاحصا اليك مصري فقل
علي قد نزل جميع الخلق عني واني اذني ومن كان له كذا وعبدي

علي م

انذروا

نعم

ان لم تحمني من رحمتي في القبر وحشي ومن ينطق لي اذنا
خلوت بعلي وسالتني عما انت اهل به مني فان قلت نعم فانين
المهيب من عدلك وان قلت لا افعل قلت له ان الشاهد
عليك فعقولك عقوبك يا مولاي قبل ان تلبس ربنا الفطر
عقولك يا مولاي قبل ان تغسل الايدي الي الاعناق يا آدم
الرحمن ورحيم الغافرين **عبده ازان** سجد ركوع
سجد ركوع اللهم صل على محمد وآل محمد وان محمد و آل
نصرنا اليك ووحشي من الناس وانني بك يا اكرمنا
قبل كل شئ يا مكرم كل شئ يا كاتم اعد كل شئ لا
تفصحني فانك علي قادر اللهم اني اعوذ بك من كدر
الموت ومن سوء المخرج في القبور ومن السقام في يوم القيمة
اسئلك عيشة هيبه وميته سوية ومنقليا كريمة
غير مخز ولا فاضح اللهم مغفر لك اوسع من ذنوبي
ورحمك ارحم عبي عيوني صل على محمد وآل
محمد واغفر لي يا حيا لا يموت

ومن يوش

عقولك

يدينك

قالك بغيره ولا تغدوني

نافه فجر

فضل چون از تقیب و تر فارغ شوی متوجه شو بدو رکعت نافه
 فجر و اینها را در ساین هم میگویند زیرا که خلفه در نماز
روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بنده صحیح که
 حضرت امام رضا علیه السلام گفت یکسید با من دو رکعت نماز
 نافه فجر نماز شب را و طهارت کرد وقت این دو رکعت یکسید
 تا طلوع سرخی آفتاب از جانب مشرق چنانکه در بعضی روایات
 و مذاهب بعضی از علماست و افضل و قهای آن از طلوع صبح کاه
 تا طلوع صبح صادق و بخوان بعد از الحمد در رکعت اول قل
 یا ایها الکافرون و در رکعت دوم قل هو الله احد **و چون سلام**
 دهی بر پهلوی راست بخواب رو بقبله چنانکه میت را در مسجد
 و جانب است رو بر دست راست بگذار و بگو ایستگت
 یا اعرش الوهنی التي لا انفصام لها واعصمت بحیب الله
 المتین و اعوذ بالله من شر فقه العرب و الفجور
 شر فقه البین و الایسن بحیا الله ربی الله امنه
 بالله توکلت علی الله لکل و لا قوة الا بالله و من توکل

علی



علی الله فو حسان الله بالغ امره قد جعل الله لكل نبي قدرًا حسب الله
 و نعم الوكيل اللهم انعمت علينا بنبيك محمد و جعلت في قلبه
 الي علموني فان حاجتي و دعوتي اليك و جدك لا تترك ليك
 لك الحمد لله رب الصبايح الحمد لله فاسم المعاش الحمد لله جعل
 الليل سكا و النور حيا انا ذلك تقديرا العزيز العليم
 اللهم صل على محمد و آل محمد و اجعل في قلبي نور و في بصري
 نور و على لساني نور و من بين يدي نور و من خلفي نور و من
 يميني نور و من شمالي نور و من فوق رأسي نور و من تحتي نور العظيم
 لا نور و اجعل لي نورا مشوبا في الناس و لا يمشي نورك
 يوم القيمة **و بعد از آن** بخوان آیه الکرسی و قل اعوذ
 برب الفلق و قل اعوذ برب الیس و بوح آیه سوره ال عمران
 ان فی خلق السموات و الارض و الخلق للبیل و التهان لایات
 لا ولی الا للاب الذین ینکر من الله و یا تا و قعودا و علی خیرکم
 و یتفکر من فی جوار السموات و الارض سبحان ما همدا خلقت باطلا
 سبحانک فقنا عذاب النار انک لا تحلف المعاد **بعد از آن**

و الحمد لله
 الحمد لله فالق الامواج

نور



نشین تپسح فاطمه زهرا علیها السلام کب و صد بار
 سبحان ربی العظیم و بحمدی استغفر الله ربی و اتوب الیه و هفت
 بار بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
سبع ازان و سجده شکر کن در آنها کجا نجه تو انی از دعای
 که پیش ذکر شد در سجده ای شکر و برای برادران مؤمن دعا کن
 اللهم رب الفجر و اللیل العشر و النفع و اللیل العشر و
 کل شیء و الله کل شیء و خالق کل شیء و ولیک کل شیء صل علی محمد
 و اعلی بی بقران و فلان ما انت اهله و لا تقبل بنا ما نخر
 اهله فانک اهل التقوی و اهل العفوه و اگر وقت سوت
 داشته باشد بخوان این دعای صحیفه را که حضرت ام
 زین العابدین علیه السلام بعد از نماز شب میخوانده
 و مراد نماز شب اینجا سیر و ده وقت که نافه مجرم داخل
 اللهم باذ الملك المتأید بالجلود و السلطان المستیع بغير جنود
 و لا اعوان و العز السابق علی الدمود و حلیک لا حول و لا قوة
 الا زمان و الا ما عن سلطانک عن الاحد له یا ولیه و لا اله الا انت

دعای
سوت

له یا عزیزه و استعل ملکک علوا سقطت لانشیاء دون بلوغ الید
 و لا یبلغ اذنی ما استانت به من ذلک اقتضت نعمت الناعین
 ضلت فیک الصفات و تفسخت دونک العفت و الا حوت
 صاحت فی کبریا یلک لطایف الاوهام کذلک انت الله الود
 فی اولینک و کذلک دائر لا زول و انا العبد الضعیف
 علی اللیم اما لرحمت من یدی اسبابه لوصلات الاما و صله
 و منک و تقطعت عنی عظم الامان الا ما انا معتصم به من
 قل عنیدی ما عندهم من طاعتک و کثر علی ما ابوء به معصیتک
 و لن یضیق علیک عفو عن عبدک و ان اسأله فاعف عنی
 اللهم و قد اسرف علی حقایا الاعمال علیک و انکف کل شیء
 نعت جبرک و لا یطوی عنک قاتن الامور و لا یغری عیبات
 السرائر و قد استخوذ علی عدوک الذل استنظرت لعودتی فانظر
 و اسمتک الی یوم الذین لا ضلالی فامهلته فامضنی و قد
 الیک من صغیر ذنوبی موبقه و کبار اعمالی مردیه حتی ان انا
 معصیتک و استوجب بسوء معی خطک فتعزنی عذابک

انت

عنت

سخطت

وَتَهَانِي بِكَلِمَاتِهِمْ وَقَوْلًا لِبَرَاءَةِ عَمِّي وَادْرُؤْ لِي عَمِّي فَاغْفِرْ لِي
فِيهَا وَأَخْرِجْ لِي مِنْ أَعْيُنِكَ طَرِيْقًا لِأَسْمِعَ لِسْمِعِي لِيْلَيْكَ وَلَا
خَفِيْرِيُوْنِي عَمِّي وَلَا حَصِيْنِي عَمِّي وَلَا مَلَأَ الْعَالَمِيَةَ
مِنْكَ فَمَا مَقَامُ الْعَالَمِيَّةِ بِكَ وَمَحَلُّ الْعَرَفِ لَكَ فَلَا يَصِيْقُرُ
عَمِّي فَضْلَكَ وَلَا يَصِيْقُرُ دُونِي عَمْفُوكَ وَلَا أَلْنُ أَحَبُّ عِيَادِكَ
الْقَائِمِيْنَ وَلَا أَقْطَرُ وَفُؤْدِكَ الْأَمَلِيْنَ وَغَفِيْرِي أَنْتَ خَيْرُ الْغَاوِيْبِ
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَرْغَبِي وَتَرْكُ مَهْمِي وَرُكْبَتِي وَسُؤْلِي الْخَطَا
خَاطِرِي السُّؤْفَرِيَّةُ وَلَا اسْتَهْمِدْ عَلَيَّ صِيَانَهَا وَلَا اسْجُدْ بِعَمْدِي
لِيْلَا وَلَا تُنْزِلْ عَلَيَّ بِأَحْيَانِهَا سَهْمًا فَارْضُ لِي لِيْ رَضْعَهَا
هَلِكًا وَتَسْأَلُ لِي الْبَيْتَ الْبَيْتَ فَارْتَدِّعْ لِي مَعِ كَبِيْرِي مَا أَغْفَلْتُ
وَعَاطِبِي فَرُوضِكَ وَتَعَدِّيْتِ عَمْرُوقَاتِكَ حُدُودِكَ الْوَحْيِيَّةِ
أَنْهَكُمَا وَكَبُوْرِي دُونِي بِجَمْعِيَّتِهِمَا كَانَتْ عَاقِبَتِي لِي فِي فَضْلِيَّاتِهِمَا
وَهَذَا مَقَامِي اسْتَحْيَا بِنَفْسِي مِنْكَ وَبِحَطَائِيْرِهَا وَرَضِي عَمِّي
فَلَقَاكَ تَبِيْنِي حَاطِيَّةً وَدَقِيْقَةً خَاطِيَّةً وَظَهْرِي مُقْبِلِيْنَ الْخَطَا
وَاقْبَابِيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ طَلْفِيَّةً مِنْكَ فَكَلِّمْ أَوْفِيْنَ مِنْ رَجَائِي

وَأَخْرِجْ مِنْ خَشِيَّتِهِ وَأَقْتَاهُ فَأَعْطِيْنِي بِأَرْبَابِي مَا رَجَوْتُ وَأَمِيْنِي مَا حَدَّثْتَنِي
وَعَزِّمِي عَلَى بَعْدِيَّةِ رَحْمَتِكَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْمُسْتَجِيْبِيْنَ اللَّهُمَّ وَأَدْسِرْ لِي
بِعَمْفُوكَ وَتَعَدِّيْتِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفِتْنَةِ وَبِحَضْرَتِي لَكَ الْكَافِرِيْنَ
فِي فَضْلِيَّاتِكَ دَارِ الْفِتْنَةِ وَعِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ
وَالرُّسُلِ الْمَكْرَمِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ مِنْ جَارِكُنْتُ أَكْرَمَهُ
سَيِّئَاتِي وَمِنْ دِيْنِي حَيْثُ كُنْتُ أَحْتَمِيْ مِنْهُ فِي سِرِّيَّاتِي لَمْ تَرَوْهُمْ
رَبِّي فِي السِّرِّيَّاتِي وَوَقَّعْتُ بِيكَ فِي الْعَقِيْرَةِ لِي وَأَنْتَ أَوْلَى
مِنْ دُونِي بِهِ وَأَعْطِيْنِي رِغْبَتِي إِلَيْكَ وَأَرْوْفِيْنَ مِنْ أَسْتَجِرُ فَارْحَمِيْ
اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدِيْقِي مَاءُ حَيَاتِي مِنْ صُلْبِ مَضْجَبِي الْعَطَا
خَرَجَ الْمَسَالِكُ إِلَيَّ رَحْمَتِيَّةً سَتَرْتَهَا بِالْحَبِيْبِ بَصِيْرِي خَطَا
عَنْ حَالِي حَيْثُ أَنْتَبَيْتُ بِهَا إِلَى تَمَامِ الصُّوْرَةِ وَأَنْتَبَيْتُ فِي الْمَوَارِجِ مَا
نَعَتُ فِي كِتَابِكَ نَظْفَةً تُوَعِّلُهُ لِي مُضْغَةً لِي عَطَا مَا لَمْ
كُنْتُ الْعَطَا وَمَا لَمْ أَنْفَتِي خَلْقًا أَحْرَكَ كَأَشِيْتِ حَيَاتِي
الرُّزْقِي وَلَمْ اسْتَعِيْنِ عَنِ عِيَابِي فَضْلَكَ جَعَلْتُ لِي قَوْمًا
مِنْ فَضْلِيَّاتِكَ وَمِنْ رَحْمَتِيَّةِ لَامَتِكَ الَّتِي اسْتَكْتَبْتِي بِهَا

وَأَنْتَ

وَدَعَيْتَنِي فَرَسِحْتَهَا وَتَوَكَّلْتُ بِإِيَّتِكَ يَا رَبِّ لِمَا لَمْ يَلْحَظْ إِلَى حَوْلِي
أَوْ تَقْضُ بِنِي إِلَى قَوْلِي لَكَ الْغَوْلُ عَنِّي مَعْتَرِلاً مَالِقَةً عَنِّي بَعِيدًا
فَقَدْ وَثِقْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءَ الْبَلِّ اللَّطِيفِ تَفَعَّلَ ذَلِكَ بِي تَهَوُّلاً
عَلَى الْإِعْيَابِ هَذِهِ الْأَعْدَمُ بَرِّكَ وَلَا يَجُوبُ بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ
وَلَا تَأْتِي كَدَمُكَ ذَلِكَ تَهْتِي فَأَنْفِرْ ظَاهِرَ حُطِّي إِلَيْكَ عِنْدَكَ
مَلِكُ الشَّيْطَانِ عِنْدَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَعْفِ الْيَقِينِ فَأَنَا
أَشْكُو سَوْءَ مَجَاوِرَتِي لِي وَطَاعَةَ نَفْسِي لَكَ وَأَسْتَعِظُكَ
مِنْ مَلَأَتِكَ وَأَنْفِرْ إِلَيْكَ فَإِنْ فَهَلَ الزُّرُوقُ فِي سَبَابِ
فَلَا تَحْدِثْ لِي أَسَدًا بِكَ بِالْبَغِيضِ الْحَسَامِ وَالْهَامِكِ الشُّكْرُ عَلَى
الْإِحْسَانِ وَالْإِعْقَابِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَهِّلْ لِي
زُرُقِي وَفَعْصِي تَقْدِيرِكَ لِي وَرِضِي مَحْضِي فَمَا قَمَرْتُ لِي وَتَهَلَّلْ
مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَمَعْمَرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ إِنَّكَ تَخْتَارُ الرِّزْقَ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا مَرِيضَتَكَ وَ
تَقْدُتُ بِهَا مَنْ صَدَقَ عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ نَارٍ تُوذِيهَا ظِلَّةٌ
وَقِيئَةُ الْبَيْمِ وَبَعِيدُهُمْ قَرِيبٌ وَمِنْ نَارٍ تَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا

تَهَانَتِي

لِأَهْوَمِ

أَنْ

وَصَوْلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ نَارٍ تَدُلُّ الْعِظَامَ رِيحًا وَسْتَفِي أَهْلَهَا
حَمِيمًا وَمِنْ نَارٍ لَا يَجُوبُ عَلَى مَنْ نَضَرَ عَنِ الْبَيْتِ وَلَا تَرْتَجِرُ اسْتِطْفَانًا
وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَهَا وَأَسْتَلِمَ إِلَيْهَا الْبَقِيَّةَ سَكَانًا
يَا حَرِّمَا لَيْسَ مِنْ أَيْمِ الْفِكَالِ وَتَدْبُرُ الْوَبَالَ وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ
عَقَابِهَا الْفَاعِغْرُ وَأَفْوَاهُهَا الصَّالِقَةُ يَا نَيْبَهَا وَشَرَابِهَا
الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَأَهْدَى سَكَانَهَا وَيُرْعِقُ قُلُوبَهُمْ وَسَهِّلْ لِي
لِمَا بَعْدَهَا وَأَخْرِجْهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ
مِنْهَا فَضْلَ حَنِينِكَ وَأَنَا قَلْبِي عِزِّي بِحُسْنِ إِفَاتِكَ
يَا خَيْرَ الْخَيْرِينَ إِنَّكَ تَهْتِي الْبَكْرِيَّةَ وَتَعْطُرُ الْحَسَنَةَ وَتَقْدِرُ
مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
مُحَمَّدٌ الْخَلْفُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَاةٌ لَا يَنْقَطِعُ
مَدَدُهَا وَلَا يَحْضِي عَدَدُهَا صَلَاةٌ لَسَعْنُ الْهُدَى
وَمَتَلَاؤُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ حَتَّى يَرْضَى وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً
لَا حَتْلَهَا وَلَا مُنْتَهَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَحَيَاتِي

وَلَا تَعْدُو لِي

إِنَّا ذَكَرْنَا الْبَرَاءَةَ وَرَسُولَ عَلِيٍّ

فصل سنت و اپستن و ملاحظه کردن معنی سرچ در نماز گفته میشود
از ذکر تا دو عالم و آنچه خوانده میشود از فاتحه و سوره و قرآن است
نماز که در آن حرکت دادن زبان همانند سجع و ملاحظه معنیها پس حکم
فارسی زبان را خواهد داشت که عربی نداند و نفهمد و لفظ خد از عربی
بر زبان نماند و حکم عربی که فارسی نداند و نفهمد و لفظ خد فارسی بر
زبان بی آنکه معنیهای او را نداند و کافیت برای غیر عربی
قول خدای تعالی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ**
وَأَنْتُمْ سُكَانِي یعنی و ای کسانی که ایمان آورده
نزدیک شوید نماز در حالتی که شماست باشد تا آنکه بد آید
آنچه میگوید **روایت** کرده در زمین المهدیین این باوید که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که دور گفت نماز بگردد و
داند که چه میگوید در آنها بر کرد و از نماز و حال آنکه نماز باشد
او و میانه خدای است کی گاهی مگر که خدای تعالی امر زنده باشد
برای او و ما این کتاب را ختم میکنیم سوره فاتحه بسم الله الرحمن
بالحرف جرات و آنچه برای استقامت است یعنی طلب

صحیح است

تفسیر

از اسم خدای تعالی باری برای مصاحبت است و همراهی و اول مبتدا
زیرا که شمر است با آنکه ذکر اسم خدای تعالی در ابتدا کار و
بجای آمدن و تمام شدن آن کاری ذکر نام الهی تمام نمیشود و معنی
مصاحبت ازین اشعار عاریت و این جا را با مجرورش متعلق است
یعنی **مقدّم اسم است یا فعل** و هر یک ازین دو عام است یا خاص
و هر یک ازین چهار مقدم است یا مؤخر و بهترین این مشبه
خاص فعلی مؤخر است زیرا که فعل عام مثل ابتدا و پسیم عام
مثل ابتدا اباحت تو هم آن میشود که طلب مدد از خدای تعالی
مخصوص باشد بر ابتدا ای کار و پسیم خاص مثل قرآنی بازیا
تقدیر است در کلام زیرا که او متبدا خواهد بود پس خبرش مقدم
بود زیرا که متعلق طرف بدو مانعت از آنکه او خبر متبدا ای محذوف
باشد و فعل خاص مقدم مثل اقرار بسم الله در و مخصوص بود
باری طلبیدن از اسم خدای تعالی فوت میشود الله علم شخصی است
مقدس البیت که جامع جمیع صفات کمال است زیرا که اگر اسم
واجب الوجود باشد لازم آید که لا اله الا الله افاده توحید کند

و این سخن مقدم

و این معارف غفود آفت و انارت با که رحمت الهی است
بر غضبش تپت است بر آنکه کسی نرا و است پاری جتن از
او در هیچ کار ما خدای تعالی که جامع صفات کالت در
در عاقبت نهانیت و صاحب اولی جمع نعمتای دنیا و آخرت
و بزرگ و کوچک محمد بن عبد رب العالمین شایسته بر چنین خست
و حمد الهی بر بعضی از صفاتش راجع است بجد بر اثری که مرتب
میشود بر ذات مقدس بنا بر آنکه صفات الهی همین ذات است و
اما اختیار الهی است و الف لام محمد برای خبر است یعنی
حقیقت محمد مخصوص است بخدمت الهی تعالی یا برای استعراق
یعنی جمیع افراد حمد یا برای عهد فارحبت یعنی فرد کما طر از او
حمد که لایق خدای تعالی باشد ثابت و مخصوص است بخدمت
تعالی در رب یا برای مصدر است بمعنای ترتیب یعنی سبب
چیز تا کمالش کم و وصف مصدر و برای بیان لغت چنانکه
در رجل عدل با صفت شهید است مشتق است از زیر بر بعد از
نقل کرده باشد بصیغه لازم چنانکه در رحمن مذکور شد و چون

اصاف رب العالمین اصافه حقیقت مثل کرم السید زیرا که
عمل نصب است چنانکه بر جای است که صفت بعد که معرفت است
واقع شود با آنکه استمرارت نه صفت و عالم هم چنانکه با
علم بر چیزی حاصل شود اما بحسب عقیده استعمال بر او از هر جهت
از اجناس نچه با و خدای را تو اند و است چنانکه گویند عالم
و عالم غایب و عالم حیوان و عالم نبات الرحمن از جسم کرم
این اسمی شریف در ابتدا ای کتب مجید برای اشعار است که
ایشان حضرت الهی حجت مشرت است از باقی صفات و برای
آنکه امید نندگان زیاد شود بر رحمت الهی و چون دانند که
مالک روز جزا رحمن در جسم است که با که میفرماید که ای کار
مایوس مشوید از بخش خدای تعالی گناگان شمار او در روز قیامت
که او رحمن رحیم است مالک یوم الدین قرار است عاصم و کت
یعنی صاحب روز جزا و باقی مالک یوم الدین خوانده اند یعنی
روز جزا و موافقت قول خدای تعالی یوم الدین نفس الفیض
شیئا و الا یوم الدین الله مؤید قرار است اول است و مرجع است

دوم پنج و جدات **قول** که تعظیم درین شصت است **دوم** که **تسبیح**
با صفا و زین را چنانکه میگویند پادشاه عصر **سیم** که موافق
شست و از و تعقل خدای تعالی که لمن الملک الیوم لیله الواحد
یعنی برای کسیت پادشاهی روز قیامت برای خدایت که کسیت
و قهارت **چهارم** که شصت شسته و در دنیا چو در آخر کسیت
در سوره قل انموذرب الناس از وصف پادشاهی بعد از وصف
تا مناسب باشد ابتدا **بیتا** **نجم** که اضافه او پوم الیوم الیوم حقیقت
بس معروض باشد پس وصف کند که موذرات ما و جاز است لی
توجهی و تکلفی زیرا که مثل کریم البید است بخلاف مالک که لطیف
پس کتب تعریف کرده پس وصف معروضه نموده که به توجهی
و تکلفی که گویند انچه بعضی با ضمیمت زیر که مضارع محقق اوقع مانده
تایم مقام ماضی که دانیم یا ای که اچا اود استوار شویست و نیز
اضافه اسم فاعل بطرف محتاج است توجه آنکه قایم مقام معقول
مجاز اودین جز است چنانکه میگویند که تدرین تدران یعنی چنانکه تو
خرامید چنانچه خواهی یافت و وجه تخصیص مالکیت و پادشاهی خدای

تعالی بر روز قیامت یا که خدای تعالی مالک و پادشاه همه
چیزات و در جمیع اوقات برای تعظیم روز قیامت و برای مالکی
مالکیت و پادشاهی که درین نشاء غیر خدا راست در آن روز
با بکلیه زایل و باطل میگردد و مخصوص میشود و خدای تعالی در
ذکر این صفات بعد از ذکر الله که دلالت میکند برای خدای تعالی
جامع جمیع صفات کالت اشارت میکند بلکه حمد بندگان و تعظیم
ایشان کسی از برای یکی از چهار چیز است یا برای کمال ذات
و صفات یا بواسطه آنکه از او پایشان احسان و نعمتی رسیده
یا بواسطه آنکه امید دارند از او بهایشان بخت و چنانچه پی برسد
یا بواسطه آنکه می ترسند از کمال قهر و غضب و کمال قدرتش
پس گویند که خدای تعالی میفرماید که ای مردمان اگر حمد کسی برای
کمال ذاتی و صفاتی میکند پس نام من انداخته و من جانت
هر دو هم و اگر برای احسان و نعمتی است که بشمار ساینده پس من
رب یعنی پرورنده عالمیانم و اگر برای امید و طبع نعمتی که بعد
ازین بشمار سپاسه در دنیا یا در آخرت پس من رحمن و رحیم

تسبیح

و اگر برای ترس از کمال قدرت و غلبه است پس مالک خدا را قویا
 ایان کند و ایان نشستن عبادت نهایت خضوع و خواریت
 و ازین جهت لایق عبادت نیست مگر کسی ولی دیند و ایان
 و اعظم مراتب باشد مثل وجود و حیات و هر چه لازم و تابع آنها
 باشد و استعانت طلب یاری و مدد است بر کاری و مراد اینجا
 طلب مدد است بهر چه کار نماید و او عیب آوردن عبادت
 با وظایف و شروط از اخلص تام و حضور دل در این که میباید
 چرات که گفته از ایمان باید کرد اول تقسیم عبادت بر سه
 دویم تقسیم معمول که ایان است بر عامل بقدر است و تقنین
 سیم مگر ساختن لفظ ایان چهارم خستیا ضیفه منکرم غیر
 واحد سیم الفات و توبه از غیبت خطاب اما میگویم تقسیم
 عبادت بر استعانت پس شاید که گفته آن صفت چنان باشد اول
 رعایت موافقت آخر ایات و در حرف سابق به حرف آخر ایه
 و این وجه صحیح است اگر سبب آیه صغیره باشد از الحمد و دوم آنکه
 عبادت مطلوب صدای تعالی است از بندگان و مدد مطلوب است کما

آخر

از خدا

از خدا ای تعالی بسر مناب تقسیم مطلوب البیت بر مذهب
 سیم آنکه عبادت مناب تر است یخ و ثواب و استعانت
 طلب هر ایت بس مناب آن بود که هر یک متصل باشد با آنچه
 مناسبت میشود در چهارم آنکه یاری و مدد یافتن بر وجه اکل
 اثر و ثمره عبادت چنانکه ظاهر میشود از حدیث قدسی که
 میشود و من ندب من نخری که دوست باشد و از آنچه من برود
 کرده ام بد پرستی که نزدیکی میجوید من پسینتا اما از او
 دارم پس چون بر او دست دارم گوش او که بان میشود و سیم
 او که بان می پسندد دست که بان غیب میکند تا آخر حدیث
 سیم آنکه تخصیص صدای عبادت اول چنانست که حاصل میشود با سلام
 اما تخصیص استعانت بس بعد از سوخ تمام است و درین بین است
 تا آخر ششم آنکه عبادت وسیله ایت یا حیاچ مبد و تقسیم
 وسیله تهر است برای اجابت نعمت آنکه چون مکمل نسبت عبادت
 بخود و از نفس او اندک عجب و تکریمی حاصل شد پس در عقب
 اقرار کرد با آنکه عبادت هم تمام نیست و صادر میشود از من که یاری

باشد

و مدد خدای تعالی و اما تقدیم مفعول عبادت و استغاثت بر بیان
 پس شاید که گفته در آن سرخر باشد **اول** که عبادت و استغاثت
 مخصوص است بعباده تعالی بقصر حقیقی یا اضافی **دویم**
 برای تقدیم آنچه در وجود مقدم است **سپس** اشاره بآنکه عبادت
 گفته و یاری طلبنده را باید که منتظر و نظر اولاد با لذات خدای
 باشد و بر و شش را نیت **ثانیاً** آرایت الله جلله تعالی
 ندیم که اگر مدد خدای تعالی را ملاحظه کرد پیش از او و بعد از آن
 خودش با لذات بگذران حیثیت که منسوب است بر خداوند
 عملش از عبادت نگران چه که عبادت نسبتی است شریف
 میانه و خدای تعالی و اما مگر آوردن ایانک بر شاید که
 گفته آن در صریح کردن بآنکه مخصوص با استغاثت خدمت و
 احتمال دارد که مفعولش را مؤخر تقدیر کند پس این تصریح فوت
 میشد **دویم** تو هم آنکه مجموع عبادت و استغاثت مجموع
 بعباده است که از آنها **سپس** در لذت خطاب با محبوب چهارم
 بسط سخن با محبوب چنانکه در کلام موسی علی نبینا و علیه اسلما که

راز او صادر شده بلکه
 از آنجنگ که هیچ

ه عَصَاكَ نُوَكِّئُكَ عَلَيْهَا وَ اَهْتَشُّ بِهَا عَلَيَّ عَجْمِي
 تا آخر آیه و فرقی میان این وجه آخر است که وجه چهارم جاریست
 اگر چه بجای ایانک ایام و سپود و مخلص و در اول و اما وجه پنجم
 نیز مستلزم مع العیر که بعد و استغاثت است بر مستلزم و احد که اجد
 و استغاثت باشد پس شاید که بجهت چهارم است **اول** تفسیر
 برای آنکه در حال عرض عبادت باید که ملاحظه کند و شستهار که
 به او پیشند یا جماعتی را که در آن نماز جماعت حاضرند یا جمیع
 حواس و قوتهای ظاهری و باطنی خودش یا جمیع آنچه شامل اوست
 و آیه امکان و علامت وجود بر و مست چنانکه خدای تعالی
 میفرماید **و ان من شیئی الا لی شیخ مجده** یعنی و الله اعلم بحج
 چه نسبت که که استیج خدای تعالی میگوید و مشغول است بعباده
دویم اعلام بنده بآنکه باید که خودش را حقیر تر از آن دانند که عبادت
 خودش را تنها عرض تواند کرد و کوچک تر از آنکه تنها طلب یاری
 برای خود تواند نمود در کار عظمت و بگریایی الهی بلکه باید که
 با عبادت جمع دیگر چنانکه در آب و قاعه است در عرض **تفسیر**

و در بیابان رود که پادشاهان **پسیم** آنکه چون خطاب شد
 با حضرت ربوبیت و عرض این که عبادت یعنی نهایت خضوع
 و خضوع و تعظیم را محیی فکر برای حضرت الهی و مدد طلبیدن
 او در کارها باشد مختصر است از حضرت الهی یعنی از غیر خدا
 مدد نمیکند یا آنکه خدای تبارک و تعالی میداند که بند و خضوع و خضوع
 برای غیر خدا هم میکند و از غیر خدا هم مدد میطلبد خیر است عظیم و عظیم
 و در نوع کونی ظاهر است پس بواسطه این عدول کرد از مستحکم و
 مستحکم مع غیر تقصیر آنکه این خطاب از زبان انبیا و اوصیا و اولیا
 و فرستاد است نهایت خضوع برای غیر خدای تعالی
 نمیکند و طلب مدد از غیر خدا نمی نماید **چهارم** آنکه در شرح الهی که
 حضرت رسالت پناهی جاری شده است که اگر شخصی مستحکم
 چند را یکبار بفرود شد یک مع و ظاهر شود که بعضی از آنها
 عیب دارد مشتری را نمی رسد که بی عیب را نگاه دارد و
 دارد پس دهد بلکه یا همه را پس دهد یا همه را نگاه دارد و قبول
 کند پس گویند که عابد چون عبادت خود را عیب دارد میداند عبادت

عیب

عیب دارد خود را با عبادت آسبیا و اولیا و ملائکه مقربین
 که از عیب پنهانی است یکبار بر حضرت صاحب خود و بخشش
 عرض میکند و حضرت خدای تعالی که میفرماید **عیب**
 دارد و کند و بی عیب را قبول کند و حال آنکه بندگانه از این
 نمی کرده و بکرم او لایق نیست که همه را در کند پس همه را
 خواهد کرد و مطلوب بند هم حاصل میشود و این وجه عبادت
 غیر معصومین ظاهرات و امانت عبادت ایشان است
 که ایشان هم عبادت خود را ناقص میدانند قائل و اما یکبار
 عیب بخواب پس حضرت استاد و ام طله در تفسیر عروه الو
 چهارده و در برای آن ذکر کرده اند و اینچایش و چه از آن بیان
 فرموده اند **اول** آنکه بند را باید که عبادت و قنات را با
 تمام و حضور دل عیب آرد و چنانکه هر اسمی از اسمای الهی را بوزن
 کند راند و معنی آنرا در دل نقش کند و او را قرب زیاده شود و
 الهی تا آنکه بر تبه حضور و مشاهده رسد پس درین عدول باید از
 عیب بخواب **دوم** آنکه در هر دروی شخصی باعث شکست خاطر

توجه

توجه

میشود و ندای تعالی زبان کرم تراست که سکت خاطر مومنی که حضور
 در روی او پس جلد خواست که بدید با آنکه عیب کت مقبول شود
 خود در کاه روی پست جل و علامه و ضو داشت **پس** اشارت
 با آنکه چون خدای تعالی همیشه حاضر است و غایبیت بلکه نزد
 میدو از آن که در آن سپری است که اول کلام بطریق خطاب باشد
 آنچون بنده خود را از مقام قرب و حضور دور داشته بود **پس**
 قانون ادب که در اب عاشقانت چنانکه گفته اند طرق عشق کلمات
 پس چون عابد اولیایم با این نمود گویا که سستی حضور شد پس حکم
 کرد و بمقتضای مقام مجالست چنانکه فرموده اند اما جلس من ذکر **پس**
چهارم تیره بر بزرگی روییت قرآن مجید و راه نمود بنده با
 هرگاه امید از قرآن از زبان جاری سازد و فایز مشو و سعادت
 قرب و نزدیکی حضور پس اگر او مت نماید بر ذکر الهی و موعود
 کند بر تلاوت قرآن و در این معنیهای آن در سینهها و رویها
 پس البته حجاب از میان بر میخیزد و میرسد بمقام حضور و مسافرت
روایت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که

ضمیمه

خدای تعالی تجلی کرد برای بنده کاش در کلامش لیکن ایشان می
 و هم از آنحضرت روایت در بعضی روزها نماز میکند و در آنجا
 نماز بهوش شده و احادیث بعد از آن سبب آن رسیده اند حضرت
 فرموده که چندان این آیه که اگر کردم که از کونیه اش شنیدم بعضی
 از عارفین گفته اند که در آنوقت زبان علیه اسلم بجای درخت
 موسی بوده که گفت ای امانند درین منی شیخ شنبتری فرمود
 کرده باشد انا الله از در حق چنان بود و از نیک بختی **پس** آنکه
 چون در عبادت کفایت و شوق مت از داب عاشق نسبت کرد
 حضور مشوق تحمل شست شسته میکند از غنیمت بلکه در حضور است
 نمیداند خدای تبارک و تعالی خواست که شوق بنده را زیاد
 کند عبادت اشعار کرد با آنکه او حاضر است بر جمع احوال
 و مطلع تا بنده را نشا ط زیاد شود و اتمام عبادت از روی
 نشا ط تمام و شوق تمام کند **ششم** آنکه چه کلمه ای محمود است
 نزد خدا و پس ادام که سالک از مرتبه قرب و حضور دور است
 در نظرش را غیر وجودی است اظهار کالات محبوب نزد آن

الف

غیر میکند آنچه پس سبب ذکر و توجه بر کاه الهی او را برین
 واقع شود از مرتبه بعد بر مرتبه حضور در نظرش وجودی نماید و
 معبود بحق را پس بالضرورة با و متوجه شده و او را می طلبد
 و بالاتر ازین محبت ممت می است از ان نشان نموده اند او
 در بیان آن راهی نیست بلکه از کلمات کوی بیان تر میشود و کلام
 قیصاً حیط من لیج لثغیر و عشری رخ فکما عن مطایبه قاصر
 یعنی بر این که تا هر چه در دست و زحرف بافته شده باشد بر بالای
 این مرتبه گو تا محبت خدا با یک از دیدنای منای با پرده های حسنه
 و بر داران الهی با پوششهای میولانی تا پسند ازیم نظر و باشد درون
 از و صبی و از چنین تو بخشنده گری و مهربان رحیمی **بدر الصراط**
المستقیم هر ایت ارشاد و دلالتی بطلب خواه بطلب رساند
 و خواه راه بطلب نماید و خواه مقصدی شود و معقول بواسطه حرف
 جریانی و اسطر و بعضی گفته اند اگر مقصدی شود بواسطه حرف بر
 معنی بر بطلب نمودت و اگر بواسطه حرف هر مقصدی شود بمعنی
 رساندن بطلب است و بعضی گفته اند که مطلقاً بمعنی رساندن

بوتوم

و در

و دروغ میکند این نه سبب قبل خدا می توانی که **وهدینا الی الصراط المستقیم**
 رو میکند قول خدا می توانی **فاستجبوا للعلی علی الخلق** و اما قول خدا می توانی
لأنک لست من أحبب طلب ایشان و اثبات میکند بلکه خاص است
 از مطلق ایشان **در آنکه** بابت حضرت عتبت غیرت
 و حضرت تعداد آن ممکن نیست و اصل است در چهار نوع **اول** راهت
 که برین معنی و دفع مصرتنا سبب ان حواس ظاهری از حیرت و
 و شامه و لاسپند و فواید و حواس باطنی از فکر و فهم و غیر آن و عوت
 عاقد خا که میفرماید اعطی کل شیء خلقه **وهدیک** **ویم** نصیب
 عقلی که فرق گفته است میان حق و باطل و صلاح و فساد و خیر
 میفرماید **وهدینا الی الصراط المستقیم** به ایت نیز می تواند و غیر آن که
 چنانکه میفرماید **وهدینا الی الصراط المستقیم** **فاستجبوا للعلی علی الخلق** **چهارم**
 نمودن راه پیروی و طریق رسیدن بخصیصه های قدس فایز شدن بتمام
 انرا ایل ساقن آثار تعلقات بیکی و کندن پوششهای جسمانی و عرف
 شدن در ملاحظه امر کمال و ملاحظه نورانی جمال و این نوع از هدایت
 مخصوص است با وی پس هرگاه فایز در مرتبه پیسیم باشد قصد

با هر نامی است مرتبه چهارم را در مرتبه چهارم رسیده باشد و قصه
 کند یا در نامی ششم یا هفتم یا ثامن در برین برستی که در چنانچه
 در تفسیر آیه امیر المؤمنین علیه السلام فرموده یا قصه کند زیاد
 یعنی هدایت ما را زیاده کردن پس هدایت خدا را اول مجاز است
 و زیاده هم مجاز است اگر زیاده در حق را هم درین معنی استعمال نماید
 و الا حقیقت و صراط است یعنی جاده و راه است که یا فرو می برد
 راه و راه را یا کم گوید راه و او را سپرد و این کثیر بسین خوانده و
 حذر از ترصبا و حمزه اشام میکند برای و مراد صراط است که در
 حقت مطلقا و این اسلام صراط الذین انعمت علیهم غیرا
 المغضوب علیهم مجموع این کلمات است از جمع علمای ما هر که موافق
 با ما در آنکه سید یک آیه است از الحمد و اما بعضی مخالفین که سید را یک
 آیه از الحمد میسند صراط الذین انعمت علیهم را آیه ششم میدانند
 و باقی را آیه هفتم زیرا که جمع است پیغمبر صلی الله علیه و آله متفق
 در آنکه سوره فاتحه هفت آیه است پس اگر کسی بزرگ کند که یک آیه
 از سوره فاتحه بخواند و بری بشود بخواند صراط الذین انعمت علیهم

دانش

مشهور

پیش علمای ما چنانکه پیش علمای مخالفین بری میشود بخواند
 سجد و این آیه در حکم تفسیر صراط است تقسیم است و صراط
 بدل کل است از و مراد با لذین انعمت علیهم جماعتی است
 که مذکور اند در آیه اول الذین انعمت علیهم من النبیین
 و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و بعضی گفته اند
 مراد مسلمانانند زیرا که نعمت اسلام همه جمع نعمتها
بدر آنکه نعمتهای الهی که غیر تنهایی است و هیچکس را
 قدرت حصر و تعدا و آن نیست مثل نوع است زیرا که
 دنیوی است یا اخروی و ازین دو تا یا موهبیت باکی
 و هر یک ازین چهار یا روحانیت یا جسمانی و این فیض
 دنیوی و موهبی روحانی مثل دادن صفات نیکو
 جسمانی مثل زینت دادن بیات اخروی موهبی روحانی
 مثل بخشیدن گناه بی توبه جسمانی مثل نهدنای شیر و
 در نسبت اخروی کسی روحانی مثل بخشیدن گناه بعد از
 توبه جسمانی مثل لذات جسمانی که در آخرت در عوض فعال

عقل فهم جسمانی مثل سخن اعصابی نبوی
 کسبی و حافی مثل اوان

داده میشود و مراد اینجا چهار است و آنچه از چهار است
 برای تحصیل این چهار اثر و غضب بر کینه شدن نفس
 برای استقام و پنداشن برای هدای تعالی باعتبار حاجت
 مثل رحمت و صلال عدولت از راه راست اگر چه بود
 باشد و مشور است که مراد بر معصوب علیهم عاصیه
 در خروج و بعضا این مخالفان در اعتقاد است زیرا که معصوم
 علیهم کسیت که جمع کرده باشد میان علم با حکام تعقاد
 و عمل شریعت مطهره پس مقابل او یکی ازین دو راه است
 باشد و لفظ غیر یا بدلت از وی صفت مثله اوست یا
 مقیده است و بر هر تقدیر غیر کرده صرف است و کسیت
 او مضاف ایله خود میکند که اگر مضاف ایله را یک خدا
 و موضوع معرفت و وصف معرفت بیکه جایزیت پس اینجا
 از کتاب آن کرد که غیر چون مضافت بجزی که او را یک
 صفت است پس کسیت تعریف کرده یا اگر چون مراد با ذین
 جمعی اند که اتمای ایشان نسبت بر قائم مقام

مرف

معرفت بلام جنس باشد که مراد یک فرد غیر معین باشد
 و لفظ لا برای تاکید نعمیت که پیش از دست و برای تصریح
 بلکه شامل هر یک از دو متعلقین است و چون اینجا از غیر
 متضمن معنی متغایر است و معنی ثنی است جایز است
 لا و ازین جهت جایز است گفتن انما زید ایضا صواب برای
 رعایت جانب ثنی پس ایضا بمنزله عدم میشود جایز است
 تقدیم معمول مضاف ایله بر مضاف چنانکه جایز است انما
 زید الاضارب اگر چه جایزیت در انما مثل ضارب زید
 انما زید مثل ضارب زیرا که متنع است واقع شدن معمول
 ثانی که متنع است واقع شدن عاملش **انما** که مناسب
 آن بود که بعد از الذین انعمت علیهم غیر الذین غضبت
 علیهم گفته شود و در عدول کردن حضرت عزت در اسناد
 غضب بخودش حل است نه بواسطه محکم پختن بنا
 عقود بخشش در دل مدکان اشاره بلکه وجود بخشش
 محبوب اوست نه غضب و گویا که آنچه از صادر میشود



در روزی که از حضرت کرم و جود و انانیت و
 در روزی که در روز دوازدهم از آن محمد صلی
 علیه السلام در مقام بی غم و نوم آید
 هیچ چیز جای الهی نیست
 در سپهر بر آفت

بسیار از روزها حضرت عالی است که خود و خود
 در هر یک از آن روزها و در هر یک از آن روزها
 است از آنکه هر چه استخوان و استخوان در دار الف
 شیراز است که تمام است که
 آمد به هر یک از آن روزها
 نقش و خطی شیرازی

همین رحمت و عفو و غضب از غیر او صادر است و
 مثل اینست در تصریح اینست و تعریف در جانب
 عقاب قول خدا ای بت ای لایزال شکرت که لا یزال
 اُولَئِکَ کَفَرُوا ثُمَّ اتَّخَذْنَا
 لِشَدِيدٍ بِالکُفْرِ بِمَا کُفَرُوا بِهِ مِنْ
 قَوْلِ ذَی التَّوْبَةِ یَغْفِرْ لِمَنْ یَشَاءُ وَیُعَذِّبْ
 مَنْ یَشَاءُ وَکَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا یا ای که مناسب
 بمقابله و کائن الله غفوراً معذباً یا بود پس عدول از این
 سبک در رحمت بواسطه ترحم جانب رحمت و چنانچه در
 قول خدا ای بت ای عیسی طاهر اللیب و قایل
 التَّوْبَةِ سَنَدِیدُ الْعُقَابِ که حضرت عتبت صفت
 رحمت ذکر کرده و یک صفت اسقام و از اهم در میان
 عفو استغریق گردانیده عفو را رحیم گردانیده که
 در مانده کان بچاره را با تبت مغفرت و رحمت نبوتاً
 عمر از شر شیطان گناه دار و مصلحت گردان مارا بر و

ذی القول



دوم آورده این بار از خزینه کرم و جود و اکن و مار
 نیز خود مختار سازد و در مار خود و اکن الحمد لله
 التوفیق لا تمام فی ظهر لوم الای
 تاریخ شهر جمادی الثانی سنه تسع
 و پستین صد الف

۱۰۶

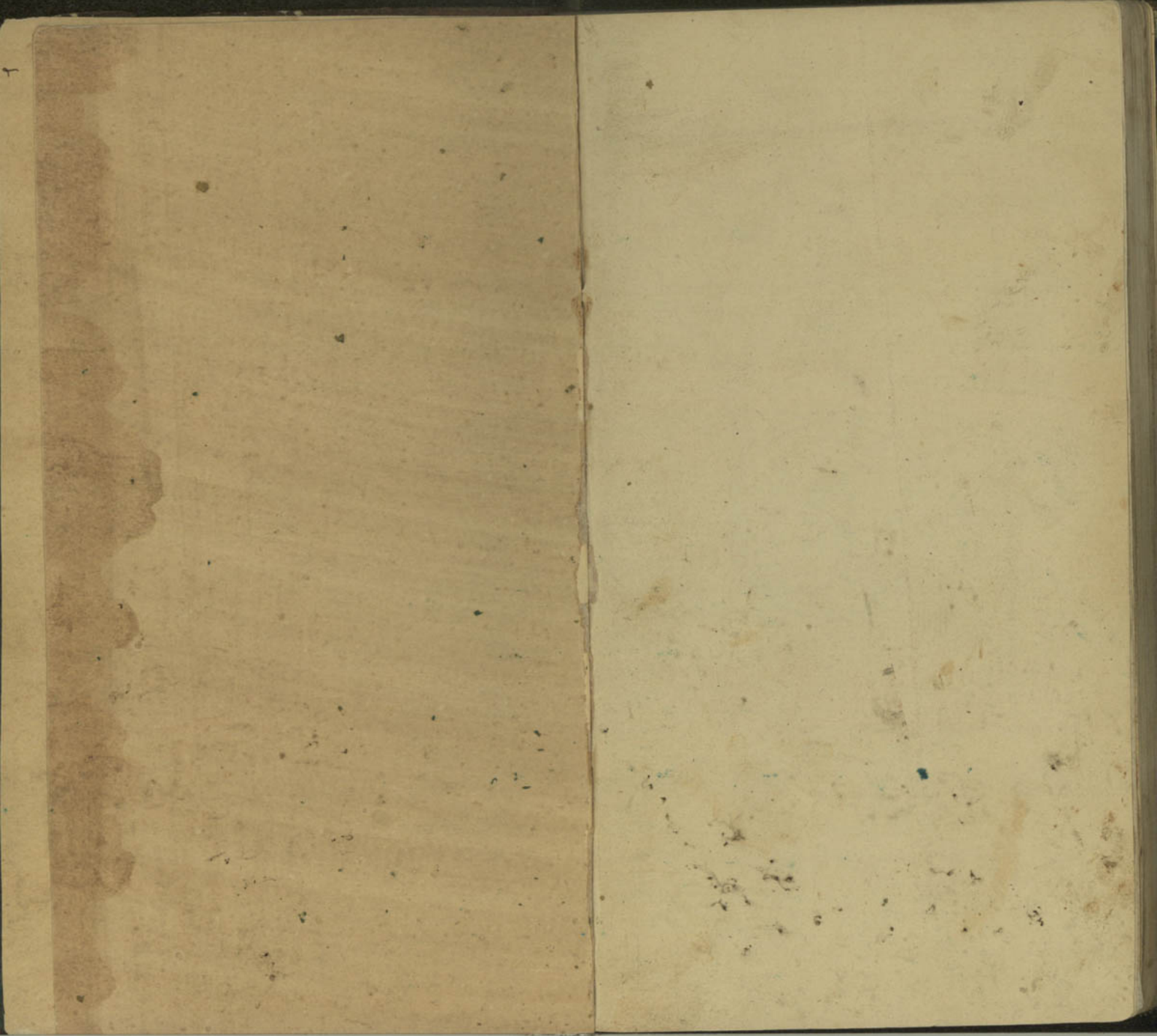
از زبده عالی حضرت ساسی رتبه ثمره شجر سلطنت
 و حکومت معدن شایسته و روت علیجان پیک و لدمر
 حیات آرامگاه بهرام سپهبدان غزاله سلو در دار الفضل
 شیراز سمت ترقیم یافت گشته
 العبد الفقیر تراب قدوم درویش
 مقصود علی شیرازی

۱۰۷

همین رحمت و محبت از فراوانی است و
 شایسته است که در این رحمت و محبت
 عقاب قول مدایمت لی لیس...
 و لیس...
 کتیبید...
 قول مدایمت...
 بزی...
 بقا...
 کبر...
 قول مدایمت...
 قول...
 قول...
 قول...
 قول...
 قول...

قول







خطی دفتر
۱۲